

# نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## یادداشت سیاسی

### اجلاس کمیته مرکزی سازمان برگزار شد

.... ما مخالف هرگونه مداخله نظامی خارجی در اوضاع ایران و مخالف  
با هرگونه آترناتیو سازی از جانب قدرتهای بزرگ هستیم. ما خواستار  
قطع همه ی کمکها، حمایتها و پشتیبانیها از نظام حاکم بر ایران از  
طرف جامعه جهانی هستیم.  
ما معتقدیم که بدون پشتیبانی قدرتهای جهانی از جمهوری اسلامی،  
مردم ایران و نیروهای مقاومت و نیروهای سیاسی ترقیخواه خود با  
استبداد مذهبی حاکم بر ایران تعیین تکلیف خواهند کرد....

در صفحه ۳

مهدی سامع

### انتخابات آتی در ولایت خاмене ای و تاثیر تهدیدها، فرصتها و چالشهای خارجی بر آن

جدال در مورد این که چه کسی برای ریاست جمهوری و یا به گفته  
سید محمد خاتمی «تدارکچی» نظام، کاندیدا شود، با اعلام عدم  
تمایل میرحسین موسوی وارد مرحله جدیدی شده است.  
در یادداشت سیاسی دو شماره قبل نبرد خلق در این باره نوشته شده  
که: «چگونگی برخورد قدرتهای بزرگ با پروژه اتمی رژیم نیز در  
چگونگی انتخاب یک مهره که سید محمد خاتمی آن را یک  
«تدارکاتچی» تعریف کرده، تاثیر خواهند داشت. تا آنجا که به خاмене  
ای بر می گردد، مطلوبترین گزینه، یک کوتوله رام است. اگر اوضاع  
عراق به صورت فعلی باقی بماند، خاмене ای تحت هیچ عنوان به  
چیزی بیش از مطلوبترین گزینه تن نخواهد داد.» و در پایان با توجه  
به مساله اتمی رژیم و فرصتی که اوضاع عراق در اختیار ولی فقیه  
نظام قرار داده نتیجه گیری شده بود که: «اگر این نقشه خاмене ای  
طی ۹ ماه آینده پیشرفت بیشتر کند، تدارکچی آینده ولایت فقیه که  
نام «رئیس جمهوری اسلامی» را یدک می کشد، نه میر حسین  
موسوی بلکه یک کوتوله سیاسی خواهد بود. اما اگر فرصت مطلوب  
ولی فقیه به تهدید تبدیل شود برای مردم فرصت جدیدی به منظور  
تغییر کل نظام فراهم خواهد شد و در این صورت اگر حسین موسوی  
در نقش تدارکچی نظام باشد، از آن جا که مساله عمده مردم ایران  
در شرایط کنونی نه بازی در میز جناحها که گذار از استبداد مذهبی  
به یک جمهوری عرفی و دموکراتیک است، بسیار مفتضح تر و بی  
آبروتر از سید محمد خاتمی خواهد شد.»  
بقیه در صفحه ۲

### سرمقاله

### ابتکار جدید استراو و همگنان برای حفظ توازن منطقه ای

....دولتهای انگلیس، فرانسه و آلمان با عرضه ی خود به عنوان پادوی ملاها در  
سرکوب مخالفان آنها، فقط شعور دموکراتیک شهروندان خود را به استهزا نگرفته  
اند، این یک اعلان جنگ آشکار علیه حق مردم ایران برای ابراز مادی و معنوی  
مخالفت خود با حکومتی که بر کشور آنان فرمان می راند نیز هست....

در صفحه ۵

### چالشها و رویدادهای جنبش کارگران و مزدبگیران در مهر ماه

....طرح محرومیت کارگران قراردادی از قوانین کار در دستور  
مجلس هفتم قرار دارد. عدم امنیت کار، بیکاری، بی حقوقی و  
محرومیت از مزایای بیمه و سابقه کار از جمله مشکلات و  
آسیبهایی است که در برابر کارگران قراردادی وجود دارد....

در صفحه ۶

### چند پرسش در نقد طبقاتی قدرت

در صفحه ۱۰

### زنان در مسیر رهایی

در صفحه ۱۳

### رویدادهای هنری

در صفحه ۱۲

### «انتخابات» در افغانستان برای

### انتخابات در آمریکا

...سطح آزادی زنان را در سخنان آقای  
کرزای نیز می توان سراغ گرفت. او از  
مردان خواست به همسران و خواهرانشان  
اجازه دهند که برای شرکت در انتخابات نام  
نویسی کنند. و ادامه داد: "بعدا شما می  
توانید این که آنها به چه کسی رای می  
دهند را کنترل کنید، فعلا بگذارید بروند..."

در صفحه ۸

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه اول

مهدی سامع

mehdi\_samee@yahoo.com

به نظر می رسد که اعلام عدم تمایل موسوی با توجه به همین چشم اندازها بوده است.

اکنون که مساله اتمی به نقطه تعیین تکلیف خود نزدیک شده و طرح «معامله بزرگ» در آخرین روز مهر ماه در وین از طرف فرانسه، آلمان و انگلیس به نیابت اتحادیه اروپا به نمایندگان جمهوری اسلامی ارایه شده، باید دید خامنه ای در مقابل این چالش کدام گزینه را انتخاب خواهد کرد. روز چهارشنبه ۲۲ مهر وقتی فزاهایی از طرح سه کشور اروپایی انتشار یافت، خامنه ای در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاههای ارتش طی سخنانی گفت: «هیچ یک از سیاستهای منطقه‌ای بدون لحاظ کردن نظر ایران قابل پیشبرد نیست.» (خبرگزاری فارس)

این جمله کوتاه فشرده تمامی سیاستهایی است که ولی فقیه نظام پیرامون تهدیدها، فرصتها و چالشهای خارجی پیش روی ولایت در پیش گرفته و انتخابات ریاست جمهوری هم به طور عمده نه متأثر از مجادلات و توازن قوای داخلی، بلکه بر اساس عوامل خارجی شکل نهایی به خود خواهد گرفت.

خامنه ای این جمله را در مقابل انتشار طرح «معامله بزرگ» که بخشهایی از آن روز قبل در خبرگزاریها انتشار یافته بود و روزنامه های صبح تهران گوشه هایی از آن را منتشر کردند، ابراز کرد. و درست همین روز مصادف است با انتشار خبر عدم تمایل میرحسین موسوی و ناز و کرشمه آخوندی هاشمی رفسنجانی. روزنامه ایران در شماره همین روز با عنوان «معامله بزرگ هسته ای» از نتیجه مذاکرات وزیران خارجه اتحادیه اروپا و توافق آنان با آمریکا خبر داد و آفتاب یزد با عنوان «هم تهدید و هم تشویق» همین خبر را در صدر اخبار خود آورد.

روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۸۳ مسئولان تعدادی از تشکلهای درون نظام شامل دبیران کل احزاب اسلامی کار، تمدن اسلامی، اراده ملت، اعتدال و توسعه، خانه کارگر، خانه صنعت، جامعه اسلامی پزشکان ایران و جمعی از

شخصیت‌های سیاسی با هاشمی رفسنجانی ملاقات و پیرامون مسائل و تحولات داخلی و خارجی و انتخابات آتی ریاست جمهوری بحث و تبادل نظر کردند.

هاشمی رفسنجانی در پاسخ به درخواست این نیروها برای قبول کاندیداتوری انتخابات آینده ریاست جمهوری، با تشکر از دیدگاه مثبت احزاب و تشکلهای تصریح کرد: «من همواره خواهان ورود نیروهای جوان و با کفایت در عرصه‌های مختلف اجتماعی و ریاست جمهوری هستم و هر وقت احساس کرده‌ام که صاحب‌نظران و فضای جامعه به طور مشخص چنین مطالبه‌ای دارد، در صورت داشتن وجود شرایط مناسب و بضاعت انجام خدمت از پذیرش مسئولیت خودداری نکرده‌ام.» (ایسنا)

رفسنجانی در روز ۱۶ مهر با اعلام این که «همه داراییهای من به اندازه یک خانه که از خودم باشد، نیست» در پاسخ به سؤالی درباره احتمال شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آینده گفت: «من تا این لحظه ترجیح می‌دهم، کسی غیر از من بیاید و کشور را اداره کند و با تجربه‌ای که دارم به او کمک کنم.... خدمت رهبری هم گفته‌ام شما به من امر نفرمائید و بگذارید این فضا باز باشد تا کس

«تدارکچی» نظام به خاطر تاثیر این امر از چالشهای خارج‌جست. روز پنجشنبه ۲۳ مهر روزنامه ایران نوشت: «برخلاف تصورات برخی جناحها، کناره گیری مهندس موسوی از صحنه انتخابات یک معادله ساده نیست، بلکه نشانه‌هایی از پیچیدگیهای پروسه انتخابات را گوشزد می کند و چالشهای آن دامن جناحهای دیگر را می گیرد.» این اظهار نظر روزنامه خبرگزاری رسمی رژیم یک روز قبل از اجلاس کشورهای گروه هشت که در آن «طرح معامله بزرگ» از جانب اروپا ارایه شد، صورت گرفت.

روز شنبه ۲۵ مهر ناطق نوری از باندهای وابسته به ولایت درخواست کرد که «به جای حضور تعداد زیادی شاخ شکسته در عرصه انتخابات از یک نامزد مقبول حمایت» کنند. منظور ناطق نوری از تعدادی «شاخ شکسته» همان «کوتوله» های سیاسی هستند که به دنبال «پاسداریزه» کردن تمامی ارکان ولایت خامنه ای هستند. روز دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۳ هاشمی رفسنجانی در دیدار مجمع متخصصان و جمعی از نمایندگان مجلس به طور غیر مستقیم به نقشی که می تواند در مقابله با بحران رژیم ایفا کند پرداخت و گفت: «با توجه به چالشهای داخلی و خارجی فراوری کشور و مطالبه تحول،

پاسخ خامنه ای به طرح «معامله بزرگ» هم قبل از جلسه آتی شورای حکام مشخص شده و رفسنجانی خود را برای شرایط عقب نشینی احتمالی ولی فقیه آماده می کند تا به جای یک کوتوله سیاسی در نقش منجی نظام وارد شود. اما به همان گونه که قبلاً نیز گفته ایم هزینه این عقب نشینی برای ولایت خامنه ای بسیار گرانتر از آن است که «سردار فقیر» ی همچون هاشمی رفسنجانی بتواند آن را پرداخت کند.

تعارض موجود اداره کشور برای رییس اجرایی آینده دشوار» است. وی در پاسخ به دعوت آنان برای حضور در انتخابات نهمین دوره ریاست دستگاه اجرایی ولایت فقیه گفت: «من به عنوان یک سرباز انقلاب بقیه عمر خود را نیز صرف خدمت به انقلاب و اسلام خواهم کرد و در هر مصدری که نظام و مردم احساس کنند وجودم در آن مثمرتر است، حضور خواهم یافت؛ اما هنوز زود است که قضاوت کنیم که به این ضرورت رسیده‌ایم.»

روز دوشنبه ۲۷ مهر روزنامه اعتماد با چاپ عکس بزرگی از هاشمی رفسنجانی از تایید وی توسط جامعه روحانیت مبارز و ۷۸ حزب خبر داد و از زبان یکی از روسای احزاب نوشته که وی به این دلیل در انتظار می ماند که احزاب پرشمار و اصلی هم موافقتشان را برای دعوت از وی اعلام دارند.

دیگری پیدا شود و ما هنوز منتظریم تا فرد مناسبی خود را کاندیدا کند و من

نیز از او حمایت خواهم کرد.» رفسنجانی با زیرکی و با کاربرد قید «تا این لحظه» و پیش کشیدن پای ولی فقیه که تنها «امر» او هاشمی رفسنجانی را مجبور به پذیرش پست ریاست جمهوری می کند در ادامه می گوید: «ولی گفته‌ام اگر روزی به این نتیجه برسم که چاره‌ای جز آمدن من برای حفظ منافع اسلام و انقلاب نیست، دریغ نخواهم کرد.» (خبرگزاری فارس)

همزمان با اعلام طرح معامله بزرگ و پاسخ کوتاه خامنه ای، رفسنجانی به دنبال اجرای نقش «حافظ منافع اسلام» که چیزی جز حفظ استبداد مذهبی نیست، جدی تر از گذشته وارد صحنه می شود. رویدادهای بعدی ثابت می کند که پیچیدگی معادله انتخاب

یک روز بعد روزنامه شرق در گزارشی خبر از «جلساتی با حضور سران جبهه دوم خرداد برای بررسی مساله انتخابات» همزمان با «پر رنگ شدن مداوم» نامزدی هاشمی رفسنجانی می دهد. شرق در همین شماره خود در مقاله ای به قلم یک عضو مجلس ششم از دوم خردادها به آنان پیشنهاد کرده، حالا که پیروزی حداکثری ممکن نیست، در پی آن باشند که به مصالحه ای تن دهند و مثلاً از نامزدی هاشمی رفسنجانی حمایت کنند و میرحسین موسوی معاون اول وی باشد.

روز ۲۹ مهر یک عضو دفتر سیاسی حزب اسلامی کار در گفت‌وگو با ایسنا می گوید: «ما راستای رایزنیهای مختلف و مذاکره با کاندیداها، از هاشمی رفسنجانی دعوت کرده‌ایم که در صحنه‌ی انتخابات حضور پیدا کند.» نکته مهم در این اظهار نظر اشاره به شرایط بین المللی است. او می گوید: «مشارکت حداکثری مردم در صحنه‌ی انتخابات در موقعیت کنونی باعث افزایش پشتوانه‌ی نظام در سطح بین‌المللی می‌شود.»

یک روز بعد طرح «معامله بزرگ» به نمایندگان رژیم ارایه شد و بر اساس بعضی از گزارشها به نظر می رسد که اتحادیه اروپا قبل از روشن شدن نتیجه انتخابات آمریکا پاسخی جدی دریافت نخواهد کرد.

در انتخابات این دوره ریاست دستگاه اجرایی نظام ولایت فقیه، عامل خارجی نقش تعیین کننده ایفا خواهد کرد. قبل از نشست آتی شورای حکام سازمان بین المللی انرژی اتمی، سرنوشت انتخابات آمریکا نیز روشن شده است.

پاسخ خامنه ای به طرح «معامله بزرگ» هم قبل از جلسه آتی شورای حکام مشخص شده و رفسنجانی خود را برای شرایط عقب نشینی احتمالی ولی فقیه آماده می کند تا به جای یک کوتوله سیاسی در نقش منجی نظام وارد شود. اما به همان گونه که قبلاً نیز گفته ایم هزینه این عقب نشینی برای ولایت خامنه ای بسیار گرانتر از آن است که «سردار فقیر» ی همچون هاشمی رفسنجانی بتواند آن را پرداخت کند. بهترین و دقیقترین برآورد هزینه این عقب نشینی را علی اکبر ولایتی، مشاور ولی فقیه در امور بین المللی ارایه داده است. بنا به گزارش روز ۷ مهر خبرگزاری دولتی کار، او می گوید: «اگر قرار شد که ما تسلیم زیاده‌خواهیهای غربیها بشویم، حد ندارد. بنابراین اگر ما عقب‌نشینی کنیم آنها به جلو می‌آیند.» ۳۰ مهر ۱۳۸۳

### اجلاس کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار شد.

اجلاس سه روزه کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از روز جمعه ۱۷ مهر ۱۳۸۳ (۸ اکتبر ۲۰۰۴) تا روز یکشنبه ۱۹ مهر ۱۳۸۳ (۱۰ اکتبر ۲۰۰۴) با یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد همه ی جانبازان راه آزادی و شهدای جنبش پیشیناز فدایی آغاز شد.

دستور کار جلسه که مورد تایید شرکت کنندگان در نشست قرار گرفت، بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و وظایف مبرم سازمان طی یک سال آینده بود.

پیرامون شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، سخنگوی سازمان به تشریح رفتار حکومت در قبال مسایل داخلی، منطقه ای و جهانی پرداخت. فشرده بحثهای سیاسی در چند محور به قرار زیر بود:

الف- در رابطه با مناسبات رژیم با مردم ایران

در سال گذشته اوضاع وخامت بار زندگی مردم ابعاد فاجعه آمیزی گرفت. گرانی، بی خانمانی، عدم امنیت در مقابل سوانح طبیعی، اعتیاد، تن فروشی و بیکاری شدت یافت. تعرض به رسانه های جمعی و دستگیری روزنامه نگاران و روشنفکران فعالان سیاسی در سال گذشته ابعاد بی سابقه ای پیدا کرد. تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران و مزدبگیران، ابعاد بی سابقه پیدا کرد. کار موقت و قرارداد موقت کار، به روند غالب و همگانی در عرصه به کارگیری نیروی کار تبدیل شد. عدم رسیدگی به نیازهای اولیه مردم در جریان زلزله بم خود را به درنداکترین و گزنده ترین صورت نشان داد. در مقابل این شرایط فاجعه آمیز، زنان و مردان ایران زمین به اشکال مختلف به مبارزه و مقاومت دست زدند. زنان جسور ایران در مقابل موج سرکوبگری رژیم زیر عنوان «مبارزه با بدحجابی و تهاجم فرهنگی» و در مقابل یورشهای مأموران سرکوبگر انتظامی به مراکز خرید لباس و دستگیری زنان و جوانان و ضبط اموال فروشگاهها که زیر عنوان مبارزه با «لباس غیراسلامی» انجام گرفت به اشکال مختلف مقاومت کردند تا جایی که همه ی سرکردگان رژیم با صراحت اعتراف می کنند که در مقابل ایستادگی زنان و جوانان ناتوان هستند و موج سرکوب و شکنجه و اعدام

نتوانسته زنان و جوانان را از مبارزه باز دارد.

در سال گذشته کارگران و مزدبگیران ایران در مقابل تعرض به سطح زندگی و معیشتشان به اشکال گوناگون مبارزه و مقاومت برخاستند. در بهمن ماه سال گذشته کارگران قراردادی مجتمع ذوب مس خاتون آباد از توابع شهر بابک با قیام خود نشان دادند که تسلیم سیاستهای ضد کارگری رژیم مدافع سرمایه داران و چپاولگران نمی روند. در واکنش به حرکت حق طلبانه کارگران نیروهای سرکوبگر رژیم با سلاح گرم به جان کارگران افتادند و شماری از آنها را به قتل رساند. این وحشیگری موجی از خشم و نفرت در سطح داخلی و بین المللی برانگیخت. علاوه بر این حرکت جسورانه، کارگران ایران در چند صد حرکت اعتراضی دیگر نفرت و انزجار خود را از رژیم حاکم پر ایران ابراز داشتند. در اول ماه گذشته کارگران سقز به طور مستقل روز جهانی کارگران را برگزار کردند که در این رابطه رژیم به دستگیری تعدادی از فعالان کارگری که این حرکت را سازماندهی کرده بودند پرداخت. این دستگیری نیز موجب اعتراض گسترده ای را در سطح داخلی و جهانی شد و رژیم تاکنون در این رابطه با چالش جدی روبروست.

جنبش دانشجویان و جوانان ایران نیز در سال گذشته به اشکال مختلف دست به مقاومت عمومی و حرکتهای اعتراضی زدند. در سالگرد قیام ۱۸ تیر دانشجویان و جوانان ایران علیرغم حکومت نظامی اعلام نشده و در زیر سختترین شرایط کنترل و سرکوب، با شعار مرگ بر استبداد و زنده باد آزادی، دست به اعتراض زدند.

همه ی این حرکتها به اضافه دهها حرکت اعتراضی، شورش و قیام در شهرهای مختلف کشور نشان می دهد که مردم ایران تسلیم سیاست سرکوب و شانتاژ جمهوری اسلامی نشده اند.

ب- مناسبات درونی رژیم

مهمترین رویداد در مناسبات درونی نظام ولایت فقیه برگزاری دوره هفتم انتخابات مجلس ارتجاع در اول اسفند ۱۳۸۲ بود. از ماهها قبل از این انتخابات، خامنه ای تصمیم گرفته بود برای کنترل بحران انقلابی جامعه با استفاده از دو موضوع «اتم» و «عراق» با هدف ماندگاری ولایتش

وقتی کارساز نخواهد شد که جامعه بین المللی در مقابل سیاستهای ماجراجویانه جمهوری اسلامی به جای سیاست مماشات، سیاست قاطع(از طریق اعمال فشار و ارجاع پرونده اتمی به شورای امنیت) در پیش گیرد. پس از بررسی محورهای بالا کمیته مرکزی سازمان به بحث در باره دیدگاههای کلی سازمان در این مرحله و چشم انداز تحولات پرداخت و به نتایج زیر رسید:

۱- در حالی که قاطبه مردم ایران خواهان سرنگونی استبداد مذهبی حاکم بر ایران و جایگزینی آن با یک جمهوری لائیک و دموکراتیک هستند، اگر جامعه جهانی در مقابل سیاستهای ماجراجویانه رژیم ایران سیاست مماشات در پیش نگیرد (اتخاذ سیاست قاطع از طریق اعمال فشار و ارجاع پرونده اتمی به شورای امنیت)، مسلماً رژیم ایران تن به عقب نشینی خواهد داد. این عقب نشینی شرایط را برای قیام مردمی و سرنگونی رژیم هرچه بیشتر فراهم می کند. از این رو ما از همه ی مبارزات مردم ایران برای تحقق یک جمهوری دموکراتیک بر اساس جدایی دین از دولت حمایت می کنیم. ما در مبارزه کارگران و مزدبگیران برای «حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری»، در مبارزه زنان برای کسب «برابری جنسی» و وادار کردن رژیم برای پیوستن به «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض در مورد زنان»، در مبارزه مردم ایران برای «منع کار کودکان»، «لغو حکم اعدام»، «آزادی رسانه ها»، «آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی» و «رعایت حقوق بشر و حقوق اساسی مردم» و..... خود را سهیم و از تمامی این مبارزات حمایت و پشتیبانی می کنیم.

۲- سازمان ما به همانگونه که در اجلاس سال گذشته شورای عالی خود اعلام کرد مخالف هرگونه مداخله نظامی خارجی در اوضاع ایران و مخالفت با هرگونه آلترناتیو سازی از جانب قدرتهای بزرگ است. ما خواستار قطع همه ی کمکها، حمایتها و پشتیبانیها از نظام حاکم بر ایران از طرف جامعه جهانی هستیم.

ما معتقدیم که بدون پشتیبانی قدرتهای جهانی از جمهوری اسلامی، مردم ایران و نیروهای مقاومت و نیروهای سیاسی ترقیخواه خود با استبداد مذهبی حاکم بر ایران تعیین تکلیف خواهند کرد.

بقیه در صفحه ۴

دست به تصفیه دوم خردادها از هرم قدرت بزند. بدین منظور دستور رد صلاحیت گسترده دوم خردادها را به شورای نگهبان داد. پس از اعلام نظر شورای نگهبان و پس از یک سلسله جدالهای داخلی با اعلام سرسپردگی خاتمی به ولی فقیه نظام این نمایش انتخاباتی همراه با تحریم بی سابقه مردم برگزار شد. این مجلس با اعلام وفاداری مطلق به ولی فقیه، در صدد است تا با کاهش تضادهای درونی رژیم، به خامنه ای برای دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای استقرار نظام اسلامی بنیادگرا در عراق یاری رساند. این هدف را خامنه ای در روز چهارشنبه ۲۷ خرداد ۸۳ «گره خوردن اراده ها بر سر خواستها و هدفهای بلند و بزرگ» که چیزی جز دستیابی به سلاح اتمی و توسعه بنیادگرایی در عراق نامید. واقعیت این است که طرح تصفیه داخلی بدون استفاده از فرصتهای خارجی نمی تواند رژیم را قادر به غلبه بر بحران و بن بست و چیرگی بر بحران انقلابی نماید. آن چه به خامنه ای امکان داد تا این نقشه را طراحی کند و به مورد اجرا بگذارد، بازی با «مسئله اتم» و «فرصت رایگان» عراق است. بنابراین اگر نقشه های ولی فقیه نظام در مورد اتم و عراق به نتیجه نرسد، تلاشهای رژیم برای غلبه بر بحران سرنگونی نقش بر آب خواهد شد.

ج- رابطه رژیم با آژانس بین المللی انرژی اتمی و دخالت رژیم در عراق دستیابی به سلاح اتمی برای نقشه های توسعه طلبانه و تجاوزگرانه جمهوری اسلامی نقش حیاتی دارد. این برنامه ضد مردمی و ماجراجویانه که برای ورود به باشگاه کشورهای اتمی طراحی شده هزینه های سنگینی را تا کنون برای مردم ایران ایجاد کرده و در آینده ایجاد خواهد کرد.

تلاش رژیم این است که با مانور، مخفیکاری، فریب دادن، مذاکره، تهدید، چانه زنی، باج دهی و باجگیری، پروژه غنی سازی اورانیوم را به سرانجام رسانده و با ساختن بمب اتمی، با زبان زور و تهدید با جهانیان، به ویژه با کشورهای منطقه سخن بگوید و با بازی با «حربه اتم» و استفاده از «فرصت عراق»، رژیم بحرانزده و در بن بست ولایت فقیه را ماندگار جلوه دهد. اما این هر دو ابزار برای رژیم

## اجلاس کمیته مرکزی سازمان

بقیه از صفحه ۳

لشکر فقیران و بیکاران  
در ایران، هزاره سوم

زینت میرهاشمی

روز ۲۴ مهر ماه، سمیناری در تهران برای بررسی نقش خصوصی سازی در ایران تشکیل شد. در این سمینار فردریک لیونز - هماهنگ کننده سازمان ملل در ایران - سیاستها و اهداف سازمان ملل در رابطه با کشورهای مختلف را توضیح داده و رعایت حقوق بشر، حکومت مداری مطلوب و دموکراسی و ایجاد صلح را از جمله اهداف بیانیه اجلاس هزاره توصیف کرد.

وی گفت یکی از سیاستهای سازمان ملل در تحقق اهداف هزاره سوم «ایجاد اطمینان است که جهانی شدن برای تمامی مردم جهان دارای فوایدی است». جهانی سازی نتو لیبرال از آنجایی که برای سرمایه گذاری و استثمار نیروی کار ارزان احتیاج به امنیت دارد، در صدد است تا انکشاف مبارزه طبقاتی، سیر تغییر و تحول توسط مردم را به امری دست نیافتنی مبدل کند. به همین دلیل خواهان رعایت حقوق بشر و ایجاد دموکراسی در محدوده ای که به امنیت سرمایه لطمه نزند می باشد. از همین روی رفتار حکومتیهایی که در این هزاره هنوز به شیوه هایی قرون وسطایی برای سرکوب مردم متوسل می شوند به طور جدی به چالش نمی گیرند.

سیاست خصوصی سازی دولت همراه با تعطیلی بخشهای زیادی از واحدهای تولیدی بوده است. بیکاری، تبدیل قراردادهای طولانی کار به قراردادهای موقت و ناپایدار، عدم امنیت شغل، عدم دریافت حقوق در برابر کار انجام شده و سرانجام بلا تکلیفی کارکنان و مزدبگیران و گسترش جبهه

فقر از جمله دستاوردهای سیاست خصوصی سازی جمهوری اسلامی است. احمد سالار مدیر طرحهای توسعه برنامه عمران سازمان ملل در این سمینار گزارش کرد که «در حال حاضر در ایران بیش از ۱۲ میلیون نفر (۱۵ تا ۲۰ درصد) زیر خط فقر مطلق هستند».

احمد دوست حسینی، معاون وزیر صنایع و معادن در این سمینار، برنامه های ایران برای مبارزه با فقر و تبعیض را هماهنگ با اهداف هزاره سوم دانست.

رژیم حاکم بر ایران همراه با سیاستها و ساختار آن، به مانعی بزرگ برای رسیدن مردم به یک توسعه دموکراتیک و پایدار تبدیل شده است. اگر چه فقر و بیکاری و گسترش آسیبهای اجتماعی از جمله تولیدات جامعه زیر سلطه سرمایه داری و کشورهای پیرامونی آن می تواند باشد اما این نسبت در ایران هیچ رابطه معقولی ندارد. در سرمایه داری عقب افتاده و انگلی ایران همراه با ساختار عقب مانده و قوانین قرون وسطایی، نه تامینهای اجتماعی وجود دارد تا بر فقر ناشی از بیکاری و خصوصی سازی، مرجمی گذارد، نه قوانینی که از حقوق فردی و اجتماعی مردم دفاع کند. بلکه درست بر عکس. همه قوانین موجود رشد خشونت، بی حرمتی و توهین به انسان، نقض حقوق بشر و دخالت در زندگی خصوصی آنها را نهادینه کرده است. حاکمان جمهوری اسلامی تنها ایده ای که در سر ندارند، سازندگی حتا سرمایه دارانه در ایران است و از آنجایی که به عمر کوتاه حکومت غیر دموکراتیکشان واقف هستند با صدور سرمایه هایشان به بیرون از مرزها، بهشت را برای آینده شان مهیا می کنند.

پس مبارزه با فقر، فحشا و تبعیض از مبارزه با پدیدآورندگان و رشد دهندگان آن نمی تواند جدا باشد. دستیابی به حقوق بشر، توسعه پایدار و دموکراتیک، عدالت اجتماعی در هزاره سوم از آرزوهای مردم ایران در این هزاره است.

۲۵ مهر ۱۳۸۳

ثابت پاسال، رفسنجانی و مرعشی  
در تدارک مبارزه انتخاباتی

جعفر پویه

نطق پیش از دستور سعید ابوطالب، نماینده اطلاعاتی مجلس دست آموز ولایت فقیه در روز چهارشنبه ۲۸ مهر، نقشی همچون آب در لانه مورچگان یافته است. سعید ابوطالب با توجه به شغل اطلاعاتی اش، دست به افشای کنفرانسی زد که در مشهد از جانب سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برگزار شد بود. این کنفرانس که از جانب حسین مرعشی، رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، از بنیانگذاران حزب کارگزاران و برادر زن هاشمی رفسنجانی ترتیب داده شده بود با حضور بیش از ۸۰ نماینده مجلس برگزار گردید. مجلسی که جناح ذوب در ولایت آنرا تحت امر خود می داند و هرگونه حرکات نمایندگان آنرا تحت نظر داشته و هر عملی از جانب آنان را بدون اطلاع خود گناه بزرگی می پندارد.

در کنفرانس مزبور، جناح کارگزاران "دوم خردادیها" سعی کردند تا از میان نمایندگان برای خود دارو دسته ای ترتیب دهند و برای کاندیداتوری رفسنجانی جای پای در مجلس سفت کنند. اما جناح مقابل که همه حرکات حریف را زیر نظر دارد، با بزرگنمایی حضور "حسین ثابت"، فرزند ثابت پاسال سرمایه دار معروف وابسته به دربار پهلوی در این کنفرانس و سخنرانی او، تلاش دارد که حرکات طرفداران رفسنجانی را خنثا کند. به همین دلیل، مجلس تصمیم گرفت که با برگزاری جلسه ای غیر علنی این موضوع را مورد بررسی قرار داده و اگر نماینده ای در مشهد از طرف ثابت پاسال تلفن موبایلی دریافت کرده، مورد مواخذه قرار گیرد.

از پیش مشخص است که جلسه فوق برای تمشیت نمایندگانی است که بدون اجازه سعید ابوطالب که از سازمان امنیت جناح ولایت فقیه به مجلس آمده است، اقدام به شرکت در یک جلسه وابسته به حریف کرده اند. اما آیا جناح ولایت فقیه خواهد توانست که با حیل های متفاوت هاشمی رفسنجانی را از دور رقابت انتخابات ریاست جمهوری حذف کند؟

باید منتظر ماند و واکنش او را در مقابل این حرکات دید. چون برخورد رفسنجانی شبیه خاتمی نخواهد بود و به این آسانی از موقعیت بدست آمده دست نخواهد کشید، مگر اینکه وعده نان و آبدارتری به او بدهند.

۳۰ مهر ۱۳۸۳

## سرمقاله

## ابتکار جدید استرا و همگان برای حفظ توازن منطقه ای

منصور امان

نزول چند بند و مفاد پندآمیز و آکنده از امیدواری به لطف ملاها، به گونه‌ی عملی کارکرد اولتیماتوم و ابزار فشاری که در دست دارد را یکسره خنثی می‌کند.

با وجود آنکه هیچ نشانه‌ای از تغییر برداشت تعهد دهندگان دور قبلی گفتگوها از پایداری به وعده‌های شفاهی و مکتوب خویش وجود ندارد و حتی یک شاهد امیدوار کننده نیز از دگرگونی در سیاست پنهانکارانه و نیرنگ آمیز جمهوری اسلامی در افق پدیدار نیست، تیم سه جانبه، بار دیگر بر طبل بی‌پژواک پیشین کوفته و ملاها را به "توقف غنی سازی و پردازش اورانیوم" فراخوانده است. این درخواست در عمل مفهوم دیگری جز فراهم آوردن زمینه‌ی مساعد برای دور جدیدی از موش و گربه بازی جمهوری اسلامی و اثبات موفقیت آمیز بودن این سیاست به طراحان آن نمی‌توان داشته باشد. پیامی که راهکار تجربه شده مزبور ارسال می‌کند، در یک کلام تشویق ملاها به ادامه راه طی شده و به مقصد رساندن خویش است. سناریو نیز تفاوت چندانی با داستانهای سعدآباد و بروکسل نخواهد داشت؛ چند تعهد برسر این میز و شماری توافق در آن نشست - همانگونه که تجربه شد - به خوبی قادر به بازگذاشتن انتهای بحران و واگذاشته شدن به سامان امور خواهد بود. مذاکره کنندگان اروپایی حتی زحمت جستجوی ترفند جدید در این راستا را نیز از کرده ملاها برداشته اند. آنان شاید برای اینکه میزان واقعی قاطعیت خود در امر جلوگیری جمهوری اسلامی از دستیابی به سلاح هسته‌ای را به نمایش بگذارند، درخواست مزبور را به "تا زمان دست یافتن به توافق درازمدت" مشروط کرده اند. گردانندگان "نظام"، همچون شرکای خویش، بدان اندازه بازاری هستند که این تعارف برای استفاده از درب پشتی را بی‌پاسخ نگذارند. از این رو غیرمنتظره نخواهد بود که نخست با درخواست تعیین یک جدول زمانی مشخص برای "دست یافتن به توافق درازمدت" به میدان بیایند و براین پایه در گام بعدی، مرحله بندی "تعلیق" را خواستار شوند. چیزی که برای ردگم کردن البته می‌تواند تمديد پذیر هم باشد.

ژست بزرگوارانه و همزمان بی‌تناسبی که هیات سه جانبه به نشانه‌ی پاس داشتن از این گویا عقب نشینی از خود به نمایش گذاشته است، می‌تواند بر لب حتی عبوس‌ترین تیره ملاها نیز تبسم بنشانند. معامله گران انگلیسی،

قرارداد روا نداشتند، بلکه تلاش خویش در زمینه تامین پیش ساختارهای غنی سازی و تکمیل چرخه تولید سوخت هسته‌ای را گسترش داده و بدان شتاب بخشیدند. در نتیجه، آقایان استرا، باریه و فیشر اکنون چاره‌ای جز این ندارند که به جای مساله اورانیوم قاچاق یا طرحهای کاغذی ساتری فیوژ، موضع پروژه آب سنگین اصفهان و تولید انبوه دستگاههای مزبور را در مرکز نگرانیهای خود قرار دهند.

از آن رو که دوستان رنج‌دیده ملاها، وانمود می‌کنند این بار با نشان دادن "چماق" شورای امنیت، سرخود را در برابر گذاشته شدن کلاه جدیدی برآن بیمه کرده اند، در این مورد نیز هیچ چاره‌ای جز بازگشت به تجربه تلخ گذشته برجای نمی‌ماند. هنوز زمان لازم برای از یاد بردن این نکته سپری نگشته است که برگ شرمنده‌ی دیپلماسی آنها در سعدآباد، پس از صدور یک اولتیماتوم شدید الحن ۵۰ روزه از سوی آژانس بین‌المللی نگاهشده شد. هیات اجرایی آژانس در این بیانیه، به صراحت از جمهوری اسلامی خواستار "رفع ابهامات و همکاری" شده بود و به سان امروز، بازگشت پرونده هسته‌ای ملاها به شورای امنیت و در دستور کار گذاشتن تدابیر بازدارنده دیگر را به مثابه چشم انداز بی‌توجهی ملاها به فراخوان مزبور ترسیم نموده بود. با چنین پشتوانه‌ای وزرای مربوطه به تهران شتافتند تا شاهکار سعدآباد را بیافرینند. تمام هنر دیپلماسی آقای استرا و همگان را در این می‌توان خلاصه کرد که حصار تنیده شده برگرد ملاها را با روزنه‌های گشادی که امکان عبور بی‌زحمت پروژه زحمت‌اتمی جمهوری اسلامی با دم و دنباله‌چیه را فراهم می‌آورد، از دورنمایه تهی کرد.

هنگامی که در چارچوب یک رقابت حیاتی تر با آمریکا، رویارویی با جنون هسته‌ای ملاها تنها در سطح تیمار مریض می‌تواند حرکت کند، قوی‌ترین تدابیر نیز به غلبه بر بیماری راه نمی‌برد و در نهایت در خدمت به صحنه بردن مضحکه‌هایی از جنس "توافق سعدآباد" قرار خواهد گرفت. پیشنهادهای جدید سه بازیگر شناخته شده، این بار نیز هیچ کمکی به تحت تاثیر قرار گرفتن ملاها از چماق کمکی نمی‌کند و فراتر از آن، یکبار دیگر با

فرانسوی و آلمانی، فهرستی از اقدام درخواستی و اشتباه‌انگیز که از باز کردن راه برای "دسترسی به بازارهای سوخت‌اتمی" و "حمایت از راه اندازی تحقیقات آب سبک" آغاز و به "ازسرگیری همکاریهای تجاری" و "پشتیبانی از عضویت جمهوری اسلامی در سازمان تجارت جهانی" پایان می‌یابد را در طبق اخلاص نهاده اند و امیدوارند "شیرینی" مربوطه، غریزه شناخته شده آزمندی در ملاها را به اندازه کافی تحریک کند.

اروپا و موتورهای سیاسی و اقتصادی آن، هرگز شایسته عنوان "جهان آزاد" نبودند اگر حتی در گرم‌گرم‌گره‌گشایی از یک بحران جدی اتمی نیز نگرانی همیشگی خود در مورد مساله حقوق بشر در جمهوری اسلامی را از چشم دور می‌داشتند. آنچه که آنها در این باره برای درمیان گذاشتن با رژیم ملاها دارند، شاید خواندنی‌ترین بخش پیشنهاد های آنان باشد و همزمان می‌تواند گویاترین شاهد بر سمتگیری این مجموعه‌ی مکتوب به شمار برود. بدین گونه که سه کشور مورد بحث، به پشتیبانی از حقوق حاکمان اسلامی برای تداوم بخشیدن به حکومت خود، برخاسته اند. اگرچه از هنگام تسخیر شجاعانه یک دفتر اپوزسیون ملاها در حومه پاریس توسط لشگری از پلیس و گاردهای ویژه، این دیگر نمی‌تواند یک نوآوری به حساب بیاید اما تاکنون نیز بدین صراحت در هیچ کجا سندیت نیافته است.

عقبه‌ی سعدآباد، در سند مزبور به جمهوری اسلامی اطمینان داده اند که مانع فعالیت بزرگترین جریان متشکل مخالف جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین خلق، خواهند گردید، آن را از طریق "ضوابط قانونی و مقررات مربوطه" تحت فشار قرار خواهند داد و سرانجام به پرونده سازی علیه آن تحت عنوان "گروه تروریستی" ادامه خواهند داد.

طرح مساله یک گروه اپوزسیون در مذاکرات رسمی بر سر موضوعی که کمترین ارتباطی با آن ندارد و آنهم به عنوان بخشی از امتیازات پیش‌بینی شده در صورت دستیابی به توافق، دست کم به لحاظ شفافیت در وقاحت، از شانس خوبی برای تبدیل شدن به مثال تاریخی برخوردار است. دولتهای انگلیس، فرانسه و آلمان با عرضه‌ی خود به عنوان پادوی ملاها در سرکوب مخالفان آنها، فقط شعور دموکراتیک شهروندان خود را به استهزا نگرفته اند، بقیه در صفحه ۹

## چالشها و رویدادهای جنبش کارگران و مزدبگیران در مهر ماه

زینت میرهاشمی

بنا به گزارش ایلنا ۳ مهر، کارگران معترض شرکت سیانا، چندین نوبت در مقابل اداره کار، فرمانداری، خانه کارگر و مقابل محل شرکت دست به تجمع اعتراض آمیز زده اند.

کارگران در آخرین اقدام اعتراضی خود با تجمع در برابر کارخانه، درب کارخانه را شکستند و وارد سالن تولید آن شدند. نیروهای انتظامی به کارگران یورش برده و با اعلام این که آنها اخلاکگر هستند، آنها را پراکنده و سرکوب نمودند.

جمع کثیری از معلمان حق التدریسی روز یکشنبه ۵ مهر ماه دست به یک گردهمایی اعتراضی زدند. این همایش اعتراضی در برابر مجلس برگزار و با دخالت نیروهای انتظامی، به تشنج و درگیری کشیده شد.

معلمان حق التدریسی بار دیگر روز ۷ مهر، در برابر مجلس دست به اعتراض زدند. اعتراض کنندگان خواستار رسیدگی به وضعیت نامطلوب خود در آموزش و پرورش شدند.

کارکنان بیمارستان «راضیه فیروز» روز شنبه ۱۱ مهر، در مقابل این بیمارستان دست به گردهمایی اعتراضی زدند. اعتراض کنندگان دلیل تجمع اعتراضی خود را، عدم دریافت حقوقشان به مدت ۴ ماه بیان کردند. یکی از کارکنان این بیمارستان در گفتگو با ایلنا مطرح کرد که: «مبلغ مابه‌التفاوت طرح طبقه‌بندی مشاغل را از سال ۷۵ تاکنون دریافت نکرده و از مزایای حق شیفت، اضافه‌کاری و نظایر آنها محروم مانده‌اند و لباس کار که از ابتدایی‌ترین ملزومات پرسنل یک بیمارستان به شمار می‌آید نیز، در اختیار آنها قرار نگرفته و از نظر معیشتی در شرایط نامناسب و دشواری قرار گرفته‌اند.»

جمعی از کارگران معدن «قلعه زری» بیرجند روز چهارشنبه ۱۵ مهر در محوطه استانداری خراسان جنوبی اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی نمودند. بنا به گزارش جمهوری اسلامی ۱۵ مهر، ۲۰۰ تن از کارگران معدن در اعتراض به عدم دریافت ۱۳ ماه از حقوقشان دست از کار کشیدند. ۶۷ درصد این معدن متعلق به "شرکت میناکان" (بخش خصوصی) و ۳۳ درصد، شرکت صنایع مس ایران می‌باشد.

بقیه در صفحه ۷

نظارت سازمان بین‌المللی کار، در آن دسته از قوانین خود که به حق تشکل یابی کارگران مربوط می‌شود، به تجدید نظر بپردازد. رژیم نیز پذیرفت که تهیه و تنظیم پیش‌نویس اصلاحیه مواد مربوطه در فصل ششم قانون کار مطابق با اصول شناخته شده بین‌المللی را در دستور کار خود بگذارد. مقامات حکومتی در راستای هماهنگ شدن با سیاستهای سازمان تجارت جهانی و وارد شدن به آن، در زیر فشار نهادهای مربوطه بین‌المللی تن به یک سری معاهده‌های بین‌المللی در ظاهر می‌دهند که در عمل خود را به این تعهدنامه‌ها پایبند نمی‌دانند. به عنوان نمونه تاکنون سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگری با حضور نهادهای به اصطلاح کارگری وابسته به حکومت و انجمنها و شوراهای اسلامی وابسته به باندهای حکومتی، امکان شکل‌گیری پیدا نکرده است.

اعتراضهای کارگری پیرامون عدم دریافت حقوق، نامنی کار و وضعیت نابسامان معیشتی در ماهی که گذشت همواره جریان داشت. در زیر به بخشی از این اعتراضها اشاره می‌شود.

**اعتراضهای کارگری در مهرماه**

واگذاری بخش درمان به بخش خصوصی از جمله اعتراضهای کارکنان بیمارستانها و واحدهای درمانی است. در پی این سیاست، کارکنان بیمارستان بوعلی سینا روز سه شنبه ۳۱ شهریور دست به یک گردهمایی اعتراضی زدند.

به دنبال نوسازی صنایع در بیش از ۱۰۰ واحد سنتی در قزوین، ۵ هزار کارگر قزوینی بیکار خواهند شد. علی کریمی با اعلام خبر فوق به ایلنا (۳ مهر) یادآور شد که: «علاوه بر بیکاری ۵ هزار کارگر بر اثر اجرای این قانون، ۴۰ هزار نفر از اعضای خانواده این کارگران نیز از حداقلهای معیشتی محروم خواهند شد.»

بیش از ۱۵۰ کارگر شرکت سیانا، به مدت ۱۸ ماه است که در بلاتکلیفی به سر می‌برند. شرکت سیانا که دست به اخراج این کارگران زده است، چرخه تولید را با ۶۰ کارگر قراردادی و جدید راه اندازی کرده است.

بدون بستن قراردادی، آنها را مورد استعمار قرار می‌دهند.

طرح محرومیت کارگران قراردادی از قوانین کار در دستور مجلس هفتم قرار دارد. عدم امنیت کار، بیکاری، بی حقوقی و محرومیت از مزایای بیمه و سابقه کار از جمله مشکلات و آسیبهایی است که در برابر کارگران قراردادی وجود دارد.

محمد دانشور نماینده حکومت در شورای عالی کار به واگذاری سهام دولتی با کمترین قیمت به نورچشمیها گفت: «اگر این اقدامات رانت‌خواری نبوده و چوب حراج به بیت‌المال نیست، چه تعبیر و تفسیر دیگری دارد؟» وی در افشای عملکرد رانت‌خوران ادامه می‌دهد که: «با توجیه سود ده نبودن یک واحد تولیدی آن را تعطیل می‌کنند و زمینی را که در گذشته در حاشیه شهر قرار داشت و امروز در بافت قرار گرفته است، به واحد مسکونی تبدیل می‌نمایند؛ در این میان آن چه که عاید کارگران می‌شود، اخراج، بی‌کاری و آوارگی است.»

بر اساس داده‌های آماری و ناقص نهادهای وابسته به حکومت، نزدیک به ۳۰ واحد تولیدی و خدماتی در مناطق چم، کنگان، برازجان و دشتستان استان بوشهر، از اردیبهشت ماه سال جاری، دچار بحران شده و بیشتر آنان تعطیل شده‌اند. به گزارش ایلنا ۴ مهر، ۱۳ هزار کارگر بوشهری که متعلق به این واحدهای تولیدی هستند، بیش از ۲ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده‌اند و در بلاتکلیفی و بیکاری به سر می‌برند.

اجلاسی در ۱۳ مهر ماه با شرکت هیات اعزامی سازمان بین‌المللی کار (ILO)، و نمایندگان حکومت برگزار شد. در این اجلاس توافقی سه جانبه میان محسن خواجه نوری، معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی، کاری تاپیولا، معاون اجرایی دبیرکل سازمان بین‌المللی کار در امور استانداردها و اصول و حقوق بنیادین کار و آقای هرمان واندرلان، مدیر دفتر زیر منطقه ای جنوب آسیا به امضاء رسید. در این اجلاس رژیم به بازنگری در فصل ششم قانون کار که به تعریف و چگونگی تشکل یابی کارگران می‌پردازد، تن داد. در اجلاس فوق، جمهوری اسلامی متعهد گردید تحت

دادگاه جلال حسینی، که قرار بود در ۱۹ مهر ماه تشکیل شود، تا کنون برگزار نگردیده است. جلال حسینی یکی از فعالان جنبش کارگری است که به همراه ۶ نفر دیگر در همایش بزرگداشت روز جهانی کارگر در سقز دستگیر شده است. دادگاه رسیدگی به پرونده این فعالان جنبش کارگری به دلیل اعتراض و فشار نهادها و اتحادیه‌های بزرگ کارگری جهان به حکومت و فعالیت گسترده مدافعان جنبش کارگری تا کنون برگزار نشده است. به طور نمونه هیاتهایی از سوئد برای شرکت در دادگاه این فعالان تقاضای ویزا نموده‌اند که تا کنون با ویزای آنها موافقت نشده است. آزادی بی قید و شرط فعالان کارگری همچنان در دستور فعالیت مدافعان جنبش کارگری و حقوق بشر است.

سیاست خصوصی سازی با توجه به ساختار سیاسی و اقتصادی حکومت، کارگران را در برابر دولت و کارفرمایان به چالشهای جدی کشانده است. بسیاری از واحدهای تولیدی با سابقه فعالیت چند دهه در اثر واگذاری مالکیت آن از بخش دولتی به بخش خصوصی دچار رکود شده و به تعطیلی کشیده شده‌اند. آسیبها و ضررهای آشکار این سیستم به طور مستقیم بر گرده کارگران و مزدبگیران در ضعیف‌ترین حلقه آن وارد می‌شود. در پی این جا به جاییها و تعدیل نیرو، بسیاری از کارگران در سنین بالا و با سابقه طولانی از کار بیکار شده‌اند. قراردادهای موقت جانشین سابقه کار و قراردادهای طولانی می‌شود. عمر بعضی از این قراردادهای ۳ و حتی یک ماه می‌رسد. زنان بیش از همه از این نوع قراردادهای اجباری کار صدمه می‌بینند. به ویژه زنانی که باردار و یا بچه‌های نوزد دارند، طبیعی است که کارفرما با پی بردن به وضعیتشان، آنها را اخراج می‌کند.

شمار ثبت استخدام نیروی کار با قراردادهای موقت همچنان رو به افزایش است. به طور نمونه حدود ۹۰ درصد از کارگران شاغل در استان سیستان و بلوچستان با قرارداد موقت کار می‌کنند. کارفرمایان با به کار گیری نیروی کار کودکان زیر ۱۵ سال،

## چالشها و رویدادهای جنبش کارگری ...

بقیه از صفحه ۶

بیش از ۱۵۰ کارگر اخراج شده شرکت تولیدی «زرچین بافت» روز چهارشنبه ۸ مهر در محل خانه کارگر ایلام دست به تجمع اعتراضی زدند. این شرکت در شهر صنعتی ایلام واقع شده که پارچه های جین تولید می کند. این کارگران با سابقه ۳ ماه تا ۱۰ سال، به طور دسته جمعی اخراج شده و کارگران جدیدی با قراردادهای موقت جای آنها را پر کردند.

پرستاران در سراسر ایران در روز یکشنبه ۱۹ مهر دست به تحصن اعتراضی زدند. گردهمایی اعتراضی پرستاران در مقابل ساختمان مدیریت و برنامه ریزی آغاز شد. این چندمین همایش و تحصن اعتراضی است که از طرف پرستاران و کارکنان بیمارستانهای سراسر کشور جهت رسیدگی به خواسته هایشان برگزار می شود.

کارگران بیش از ۸۰ نانویی در شهر سنندج، روز شنبه ۲۰ مهر، نانوائیها را تعطیل و در محل اتحادیه کارفرمایان خبازیهی این شهر دست به تحصن اعتراضی زدند. این کارگران به عملکرد اداره غله استان کردستان اعتراض نمودند.

در پی تعطیلی نساجی «بابکان آمل»، کارگران این واحد تولیدی، روز یکشنبه ۲۶ مهر دست به گردهمایی اعتراضی زدند. بر اساس گزارش ایلا یکشنبه ۲۶ مهر، کارگران به واگذاری این واحد تولیدی به بخش خصوصی در بهمن ماه سال گذشته اعتراض نمودند. شمار کارگران بیکار شده این واحد تولیدی به ۷۳۵ نفر می رسد.

### رکود و تعطیلی بخشهای تولیدی

کارخانه «شوژ البرز» واقع در شهر صنتی الوند قزوین تعطیل شد. مدیریت این کارخانه علیرغم اعتراضهای کارگران شاغل در این بخش، به بهانه انتقال محل کارخانه به شهر صنعتی لیا، با به فروش رساندن وسایل و ابزار کارخانه، کارگران و کارکنان این واحد را با بیکاری روبرو ساخت.

شوفاژ البرز به جای انتقال به محل دیگری، تعطیل شد. علی کریمی، دبیر

اجرایی خانه کارگر قزوین در گفتگو با خبرنگاری ایلا ۳۱ شهریور در مورد وضعیت کارگران این کارخانه گفت: «کارگران این شرکت پس از چند ماه سرگردانی در هیاتهای تشخیص و حل اختلاف، سرانجام با حکم انحلال شرکت مواجه شدند و رای پرداخت یک ماه سنوات به ازای یک سال فعالیت کارگر در مورد آنان صادر شد.» کارگران کارخانه شوفاژ البرز بدون دسترسی به حقوق خود از کار برکنار و به خیل بیکاران پیوستند.

شرکت تولیدی صنایع غذایی «شیفته» با ۲۷۰ کارگر تعطیل شد. خبرنگاری ایلا جمعه ۳ مهر با اعلام خبر فوق افزود: «کارگران این کارخانه به صورت رسمی، فصلی و قراردادی به کارگیری شده بودند که کارگران رسمی و فصلی بازخرید شده و افرادی که به صورت قرارداد موقت به کار گرفته شده بودند نیز با فسخ قرارداد کار از کار بی کار شدند.»

شرکت مرعداری ایران و آلمان واقع در شهر قزوین دچار بحران شده و در آستانه تعطیلی کامل قرار دارد. کارگران این شرکت به مدت ۴ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده اند.

شرکت خودروولنت خراسان تولید کننده اتوموبیل، به دنبال واگذاری به بخش خصوصی، تعطیل شد. ۲۰۰ کارگر شاغل این واحد تولیدی، به صف بیکاران پیوستند.

کارخانه چینی هیس با دارا بودن ۵۰۰ کارگر، تعطیل شد. خبرنگاری ایسا ۶ مهر با بیان این خبر افزود که کارگران بیکار شده این کارخانه، سابقه ۱۵ تا ۲۰ سال کار را داشته اند.

به دنبال تغییرات کاربری در کارخانه نساجی «نقش ایران» به تولید لوله سبز، کارگران این کارخانه تعدیل شده و شمار آنان کاهش پیدا کرد. بر اساس گزارش ایلا، ۱۱۰۰ کارگر شاغل این کارخانه به ۵۰۰ نفر کاهش پیدا کرده اند.

علی دهقانی دبیر اجرایی خانه کارگر استان یزد در گفتگویی با ایلا ۶ مهر گفت که نرخ بیکاری در استان یزد از ۵ به ۱۲ درصد افزایش یافته است.

با واگذاری کارخانه نساجی شاهو واقع در شهرک صنعتی «بهشت محمدی» در سنندج به بخش خصوصی، این واحد تولیدی تعطیل شد. به گزارش



ایلا ۷ مهر، ۳۷۴ کارگر طی ۲ ماه بیکار شدند.

شرکت مجد تولید کننده فرآورده های پروتئینی در استان خراسان دچار بحران شده و بعد از ۱۵ سال سابقه فعالیت، به تعطیلی کشیده شد.

به دنبال بحران در صنایع نساجی و تعطیلی پیاپی واحدهای تولیدی این بخش، ۲۰۰ کارگر شرکت پاکریس سمنان از این واحد تولیدی اخراج شدند. حسین طاهرزاده دبیر اجرایی خانه کارگر سمنان در گفتگویی با ایلا ۱۰ مهر گفت که این واحد با ظرفیت اشغال ۲ هزار و ۲۰۰ نفر اکنون با ۵۴۰ نفر به کار خود ادامه می دهد.

شرکت صنایع نساجی اراک تعطیل شد. حسن مرادی عضو هیات رئیسه کمیسیون انرژی مجلس در گفتگو با ایسا ۱۵ مهر اعلام کرد که ۱۴۰۰ کارگر این بخش تولیدی بیکار شده و در بلاتکلیفی به سر می برند.

کارگاههای شرکت طرح و توسعه شبکه های مخابراتی تعطیل شد. کارگران این شرکت که سابقه فعالیت آن به ۲۸ سال می رسد، به صف بیکاران پیوستند. حمید پوررمضانی رئیس شوراهای اسلامی کار این شرکت در گفتگویی با ایلا یکشنبه ۱۹ مهر ماه، کارگران بیکار شده این شرکت را ۳۵۹ نفر اعلام کرد.

کارخانه «ایران پایروس» دست به اخراج بیش از ۵۰ درصد کارگران و کارکنان خود زده است. کارگران اخراج شده سابقه های طولانی کار مثل ۱۵ تا ۲۰ سال را داشته اند.

شرکت «الومینیوم خزر» واقع در استان گیلان، به بهانه در انتقال محل، دست به اخراج کارگران خود زد. دبیر اجرایی

خانه کارگر استان گیلان در گفتگو با ایلا دوشنبه ۲۰ مهر، گفت: «مدیریت «الومینیوم خزر» کارگران را به مرور اخراج کرده و در حال حاضر این مجتمع تولیدی تعطیل است.

کارگران شرکت «یزد کیسه» واقع در استان یزد، به مدت یک سال است که حقوقشان را دریافت نکرده اند.

بر اساس گزارش ایلا شنبه ۱۵ مهر، جمعی از کارگران شرکت زغال سنگ «البرز مرکزی» طی نامه ای سرگشاده نسبت به وضعیت فعلی خود اعتراض نموده اند. کارگران در نامه خود یاد آور شده اند که «شرکت زغال سنگ «البرز مرکزی» بعد از اجرای طرح تعدیل و اصلاح ساختار شرکت، تعداد افراد شاغل و کارگران معدن از ۴۰۰۰ نفر در دهه ۷۰، به ۶۳۰ نفر در سال ۸۲ رسیده است.» کارگران در این نامه سرگشاده یادآور شده اند که هم اکنون با حکم تخریب سرپناه خود روبرو هستند. آنها تاکید می کنند که شرکت البرز مرکزی، بدون انجام پژوهشهای لازم و به صورت غیر علمی به بخش خصوصی واگذار شده است.

کارگران شرکت «بافت ایران» به مدت ۴ ماه است حقوقشان را دریافت نکرده اند. خانم زهرا آتش فراز در گفتگویی با ایلا سه شنبه ۲۸ مهر، گفت تعدادی از این کارگران در اعتراض به عدم دریافت حقوقهای عقب افتاده شان و در اعتراض به اجبار کارفرما بر امضای قرارداد موقت، به اداره کار اراک مراجعه و خواهان تعیین تکلیف خود شدند. نماینده این شرکت در هیاتهای تشخیص اراک گفت که ۸۰ کارگر شرکت بافت ایران که حاضر به انعقاد قرارداد موقت کار نشده اند مورد رفتار نامناسب قرار گرفته اند.

واحد تولیدی بافت بلوچ به دلیل واردات پارچه و عدم توان رقابت با آن، دچار رکود شده و کارگران خود را از ۲۲۰۰ به ۸۰۰ نفر کاهش داده است. قربانعلی میرشکار دبیر اجرایی خانه کارگر زاهدان در گفتگو با ایلا ۲۸ مهر گفت که «در استان سیستان و بلوچستان، جمعا ۵۹۷ واحد تولیدی و کارگاهی داشته ایم که از این تعداد، ۵۱۰ واحد فعال، ۲۴ واحد نیمه فعال، ۱۳ واحد راکد و ۵۰ واحد به طور کامل تعطیل هستند.»



## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

"انتخابات" در افغانستان  
برای انتخابات در آمریکا

مردم افغانستان درحالی که کشورشان هنوز تحت اشغال نیروهای نظامی آمریکا قرار داشت، روز ۹ اکتبر، وادار به رفتن پای صندوقهای رای شدند که نتیجه آن قبلا از سوی نیروی اشغالگر تعیین شده بود. زمان بندی و شکل این انتخابات جامه ای بود که تنها برای تزئین تن دولت بوش و اهداف نزدیک و دور آن دوخته شده بود. نمایش انتخابات "آزاد" به منظور مهر قانونی زدن به سلطه امپریالیسم آمریکا و اشغال نظامی این کشور، درحالی صورت گرفت که خانم کاندلیزا رایس، مشاور امنیتی بوش، حتی قبل از ناظران سازمان ملل نتیجه آن را می دانست. او گفت: "این انتخابات واقعی خواهد بود من مطمئنم".

گویاترین و همزمان کوتاهترین تفسیر از این انتخابات نامشروع و مضحک را سفیرصلح سازمان ملل، خانم آنا کاتالدی که تجربه برگزاری و نظارت بر چندین انتخابات از جمله در سوئدان، رواندا، آنگولا، زامبیا و بروندی را دارد، ارایه داد. او ضمن انتقاد از نحوه انتخابات گفت: "این روال در افغانستان، روال یک انتخابات دموکراتیک نیست." او تاکید کرد، در افغانستان ۶۰ درصد از مردم، حامد کرزای را نمی شناسند و فشارهای آمریکا به صورتی بوده که زمینه آشنایی با دیگر کاندیدها را ناممکن کرده است. سفیر صلح سازمان ملل گفت: "زنان از مردان تبعیت می کنند و مردان از روسای قبایل".

اما این که روسای قبایل تا چه حد دارای قدرت تغییر "رای" آمریکا هستند را باید در جریاناتی که طی برگزاری این انتخابات رخ داد مشاهده کرد.

چند روز پیش از انتخابات، ۲ تن از ۱۸ کاندیدی ریاست جمهوری، به نفع حامد کرزای کنار رفتند. در روزی که مردم افغانستان به پای صندوقهای رای می رفتند، ۱۵ نفر از ۱۶ کاندیدا به وضع نامناسب رای گیریها اعتراض کردند. البته، وضعیت نامناسب به سود پیروزی نامزد دست چین شده آمریکا، حامد کرزای، عمل می کرد.

یک ماه قبل، در گزارشی ۵۲ صفحه ای که دیده بان حقوق بشر سازمان

داده اند اشاره کرده و گفتند، اگر کرزای برنده این انتخابات گردد، بی شک دست نشانده آمریکا به شمار می آید. تخلفها و دست اندازیهها در این انتخابات همگی به سود کرزای عمل می کرد و این به سختی می تواند از قبل تعیین تکلیف شدن آنرا بر کسی پوشیده نگذارد. اینکه مقامات افغانستان با متوقف کردن انتخابات مخالفت نموده و از اعتراضات مردمی جلوگیری کردند و سازمان ملل حاضر به نشان دادن واکنش نشد، بر این ادعا صحت می گذارد.



سفیر آمریکا، جهت اعمال فشار بر کاندیدهای مخالف، اقدام به برگزاری ملاقاتها و دیدارهایی با آنان کرد. این در حالیست که کاندیدهای انتخاباتی همچون دوستم و رشید، خود از جمله افرادی هستند که به آمریکا برای بیرون راندن طالبان یاری رسانده اند و با کرزای در یک جبهه قرار دارند. سفیر آمریکا به یونس قانونی "پیشنهاد" کرد که بهتر است برای حفظ آینده سیاسی اش جلوی اعتراضات مردمی را بگیرد. از این رو، کاندیدهای مخالف کوتاه آمده و رسیدگی سازمان ملل به وضعیت انتخابات را پذیرفتند.

در روزهای پس از انتخابات نیز معاملات پشت پرده دیگری فاش گشت. یکی از آنها قرارداد ۲۵ میلیون دلاری بین یک مقام عالیرتبه آمریکایی با چند تن از روسای دفتر مشترک تنظیم انتخابات ریاست جمهوری در کابل بود. حاصل این قرارداد، تقلب در توزیع برگهای رای گیری و تعداد آن در پایگاههای از پیش تعیین شده و جابجایی برخی از صندوقها هنگام انتقال به کابل بود.

در گزارشی که از جانب دیده بان حقوق بشر ارایه شد، تاکید شده است که جنگ سالاران افغانی اقدام به تهدید و فشار مردم و گروههای مردمی کرده اند، بطوریکه بسیاری از مردم گفته اند از حمله طالبان به صندوقهای رای نمی هراسند بلکه، وحشت شان از تهدید های این افراد است.

همین رابطه در سمت دیگر معادله نیز وجود دارد. کرزای که به مدت دو سال

و نیم رییس دولت انتقالی اسلامی بود، هرگز نتوانست قدمی فراتر از چهار دیواری حفاظت شده خود به بیرون بگذارد. وابستگی او به آمریکا که به گونه نمادین در برخورداری از محافظین آمریکایی به نمایش گذاشته شده بود و انزجار مردم افغانستان از حضور نیروهای خارجی در این کشور سبب گشت که او برای حفظ جانش نتواند جهت تبلیغات انتخاباتی به میان مردم برود. او با ایجاد یک تیم تبلیغاتی و دعوت از سران اقوام و رجال منطقه ای به پایتخت و پرداخت پول و دادن وعده و وعیدهای غیرقابل اجرا تلاش کرد تا رای آنان و زیردستانشان را بدست آورد و آقای خلیل زاد، سفیر آمریکا را مامور امور تبلیغاتی در شمال این کشور نمود. از جانب دیگر، رادیوها و رسانه های مدافع آمریکا نیز تا حد توان به این امر یاری رساندند.

انتخابات قلبی ساخته و پرداخته آمریکا درحالی صورت گرفت که "کشورآزاد" افغانستان در اشغال ۲۰ هزار سرباز آمریکایی و ۷ هزار متحدان ناتوی آنها قرار دارد. سربازان آمریکایی در این کشور به مانور می روند، حقوق دموکراتیک مردم را زیر پا می گذارند، اقدام به دستگیریهای بی پایه و اساس کرده و به شکنجه هزاران افغانی دست زده اند.

در دوران ریاست کرزای، بیش از ۱۵



هزار نفر از مردم به ستوه آمده افغانستان، جان خود را از دست داده اند.

بوش برای امتیاز یابی در انتخاباتی که خود انتظارش را در ماه نوامبر می کشد، اقدام به برگزاری انتخاباتی کرد که به پندار او به اوضاع نامناسب این کشور خاتمه دهد. او در آستانه انتخابات افغانستان گفت: "تنها سه سال پیش زنها در استادیوم ورزشی اعدام می شدند و امروز به پای صندوق رای می روند."

کاخ سفید آزاد کردن زنان افغانی را یکی از دلایل مهم تهاجم به افغانستان اعلام می کرد. این در حالیست که طبق گزارشات منتشر شده، در سال ۲۰۰۲، تنها یک دلار از هر ۵ هزار

بقیه در صفحه ۹



## ابتکار جدید استراو و همگنان برای حفظ توازن منطقه ای

بقیه از صفحه ۵  
این یک اعلان جنگ آشکار علیه حق مردم ایران برای ابزار مادی و معنوی مخالفت خود با حکومتی که بر کشور آنان فرمان می راند نیز هست. وعده ی سرکوب سازمان مجاهدین، ترسیم یک صف بندی نامربوط است که در یک سوی آن نظام جمهوری اسلامی و پشتیبانان بالفعل آن در لندن و پاریس و برلین سنگر گرفته اند و در سمت دیگر، اکنون مجاهدین خلق و فردا هر جریان اپوزوسیون دیگر که ملاها آن را برای خود تهدید بیانگاران یا مزاحم بدانند، قرار گرفته است. براساس این متد، جنبشهای اجتماعی اقلیت مختلف مردم ایران، مطالبات دموکراتیک، حرکتی اعتراضی گسترده ی صنفی و سیاسی، همه و همه مشمول توجه ویژه اروپا به حقوق حاکمان جمهوری اسلامی و پیامدهای آن خواهند گردید. گاف جدید سه تفنگدار، نشان می دهد که برخلاف پافشاری آنان برای محدود جلوه دادن بحران هسته ای جمهوری اسلامی به یک مساله فنی و بوروکراتیک که از طریق نظارت حرفه ای آژانس و بده و بستان آب سبک در برابر آب سنگین کنترل پذیر است، این موضوع تا بُن دندان سیاسی است و بخش مهمی از استراتژی رژیم ملاها را برای ثبات بخشی به خود تشکیل می دهد. این فاکتوری است که شرکای اروپایی ملاها به خوبی از آن آگاهند و خطوط معامله اخیر را در راستای آن و براساس اصل راهبردی ای که ناظر بر حفظ توازن موجود در منطقه و جلوگیری از سنگین تر شدن آن به سمت ایالات متحده می باشد، امتداد داده اند.

## "انتخابات" در افغانستان برای انتخابات در آمریکا

بقیه از صفحه ۸  
دلار کمکهای آمریکا به افغانستان، یعنی در مجمع ۱۲۰ هزار دلار، شامل حال سازمانهای زنان گشته است. در سال ۲۰۰۳، این مقدار به میزان ۹۰ هزار دلار کاهش یافت. بنابه گزارش سازمان عفو بین الملل، خشونت علیه زنان از زمان سقوط طالبان رو به افزایش گذاشته و دزدیدن زنان و وادار کردن آنان به ازدواج ناخواسته بیش از پیش رواج یافته است.  
سطح آزادی زنان را در سخنان آقای کرزای نیز می توان سراغ گرفت. او از مردان خواست به همسران و خواهرانشان اجازه دهند که برای شرکت در انتخابات نام نویسی کنند. و ادامه داد: "بعدا شما می توانید این که آنها به چه کسی رای می دهند را کنترل کنید، فعلا بگذارید برونند."

### انتخابات به سود چه کسی؟

اهداف کوتاه مدت جورج دبلیو بوش، بدست آوردن چند برگ برنده برای پیروزی در انتخابات ماه اکتبر در آمریکا می باشد. این برگهای برنده شامل اثبات ادعای خود مبنی بر "صدور دموکراسی به کشورهای خاورمیانه"، تسلط بر عراق، چیرگی بر بحران هسته ای که شامل اتحاد با اروپا برای فشار بر جمهوری اسلامی و ارجاع پرونده اتمی آن به شورای امنیت سازمان ملل، کنار آمدن با پیونگ یانگ و سرانجام نمایی از غلبه دولتش بر تروریسم می شود.  
پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و تغییر توازن قوا به نفع ایالات متحده آمریکا، مانعی جدی در برابر این کشور که خواستار برقراری امپراتوری و یکه تازی در جهان بود، بر جای نماند. اما تمایل قدرتهای بزرگ دیگر جهان به چپاول کشورهای ضعیف، یکه تازیهایی اخیر آمریکا که توسط دولت بوش به پیش رانده می شود را تا حدی به چالش کشید. دولت بوش که به برتری اقتصادی، سیاسی و نظامی خود متکی بود، دست به تهاجم به افغانستان و عراق زد و این کشورها را به بهانه مبارزه با تروریسم اشغال کرد. سازمان ملل و اتحادیه اروپا نتوانستند بر این تهاجمات مهار بزنند.  
آنچه که در افغانستان پس از فاجعه یازده سپتامبر رخ داد، زمینه ای ایجاد کرد که دولت بوش با کشورهای اروپایی بر سر مساله مبارزه با تروریسم بین المللی و مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر هم پیمان گردد و در استقرار حکومتی که نیروهای سیاسی گوناگونی را در بر بگیرد، با آنها همکاری و تصمیم گیری مشترک داشته باشند. اما مدتی زیادی طول نکشید که آمریکا این تصمیم گیریها را زیر پا نهاده و با ایجاد دولت موقت و قانون اساسی و قرار دادن فردی که از واکنشگن دستور می گیرد در راس دولت، کار

## بال کوفتن و پریختن

برکناری وزیر راه، چشم انداز چگونگی حضور سیاسی "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی را تیره تر از هر زمان دیگر در برابر آنها به تماشا گذاشته است. شلاق کش کردن وزرای کابینه حجت الاسلام خاتمی، بیش از آنکه تنها در خدمت حل و فصل یک نزاع در جریان، همچون مساله ی کنترل فرودگاه جدید باشد، رو به برش حساس جابجایی در ریاست قوه مجریه دارد. تعیین تکلیف سربازان پیاده در وزارتخانه ها، به برخی پرسشها در جنگ آبی بین شاه مهره های دو طرف پاسخ می دهد.

آقای محمدرضا خاتمی، دبیرکل جبهه مشارکت اسلامی، با نگاه به نخستین مهره ی از میدان بدر شده، اطمینان می دهد که رقبا در پی "ایجاد حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی" هستند. آقای محسن آرمن، متحد او و سخنگوی باند مجاهدین انقلاب اسلامی، مایل نیست تا این اندازه پیش برود، اما او نیز دست به شکایت می برد که باند ولایت به سمت "فلج کردن دولت و در اختیار گرفتن آن پیش از تصاحب قوه مجریه" حرکت می کند.

با این وجود، آقای رامین با گمانه مضحک تصاحب دولت پیش از تصاحب دولت، به هیچ عنوان در گنج سری خود را مدیون آقای خاتمی و معرفی باند متوسلین به "عمود خیمه نظام" به عنوان نماد جمهوریت رژیم ولایت فقیه، نمی سازد. و این درحالی است که باند ولایت با حرکت در جهت به انجام رساندن تدابیر خود که بیش از همه از انفعال و بی بته گی "نظام" خواهانه ی رقیب نیروی محرک اش را کسب می کند، به ریش مکتبی هرودی این تحلیلگران پوزخند می زند.  
حجت الاسلام فاخر، رییس کمیسیون اصل نود مجلس ملاها، پس از ضرب شست استیضاح، مزاح می فرماید: "با توجه به قرار گرفتن خرم در جایگاه مشاور رییس جمهور، باید کمی هوای ایشان را داشت."

صدقه از سر بزرگواری، این تنها چیزی است که آقایان خاتمی، رامین و شرکا پس از فرونشستن گردوخاکی که به پا می دارند، دریافت می کنند. درگذشته جز این نبوده و از این پس هم به گونه دیگری نخواهد بود.

را فیصله داد. این کار بدون به بازی گرفتن اروپاییها صورت گرفت و درعمل، نقش اروپا در سیاستگذارها نادیده گرفته شد. این با وجود همکاری اروپاییها در زمینه اعزام نیروهای نظامی انجام گرفت.  
به دلیل سلب تدریجی قدرت تصمیم گیری سیاسی سازمان ملل و اروپا در افغانستان توسط آمریکا، به هنگام انتخاب اخیر نیز همکاری وسیعی از آنها مشاهده نشد. از جمله دلایل عنوان شده از سوی اروپا و نهاد مزبور، ناامنی و وضعیت رو به وخامت کنونی، محدودیت آزادی بیان، عدم امکان حضور در برخی مناطق و دخالت بیش از حد که مانع جلب اعتماد مردم می گردد، بود.

در واقع اینکه آمریکا میدان مانوری در این انتخابات به اروپا و سازمان ملل نداده بود، سبب گشت که اتحادیه اروپایی اعلام کند که تنها هیات کوچکی از کارشناسان انتخابی را به افغانستان می فرستند و درباره روند انتخابات نیز اظهار نظری نخواهد کرد.  
بدین طریق، اتحادیه اروپایی به طور علنی به دخالت و سلطه جویی آمریکا اعتراض کرد. در حالیکه آمریکا نیز مایل به همکاری و دخالت هیچ نهادی نبود و قصد داشت با تقلب و رای سازی، دست نشانده خود را به مردم افغانستان تحمیل کرده تا بتواند استراتژی خود را بدون وجود مزاحم پیش ببرد.

دخالت نظامی ایالات متحده در افغانستان، آغازی از گسترش حضور بی سابقه غرب در منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه بود که مردم این مناطق را در شرایطی غیرقابل پیش بینی قرار داد. برای مردم افغانستان این اولین باری نیست که کشورشان مورد تهاجم و اشغال یک کشور خارجی قرار می گیرد. مردم افغانستان، سابقه ای طولانی در مقاومت علیه اشغالگران دارند و گذشته از این، هیچ اشغالگری نمی تواند با زور، خواست، آرزو و امید مردم را از آنان بگیرد.  
برخی از منابع اطلاعاتی این نوشتار

Human Rights Watch

<http://www.hrw.org/>

science-fair-projects

<http://www.all-science-fair-projects.com/>

Common Dreams News Center

<http://www.commondreams.org/>

BBC Radio news

<http://www.bbc.co.uk/persian/>

wsws

<http://www.wsws.org/>

## چند پرسش در نقد طبقاتی قدرت

جعفر پویه

با این نیروها تعیین تکلیف می‌کنند. این پرسش که برنامه بعضی از نیروهای اجتماعی چقدر با برنامه کمونیستها نزدیک است و یا آیا این برنامه‌ها ماهیت سوسیالیستی ناب دارند و یا خیر، نمی‌تواند در برخورد ما با آنان تفاوتی ایجاد کند. دولت را همچون یک بنیاد خیره دیدن و از او توقع بذل و بخشش بیشتری در مقابل فقرا داشتن، نه یک تحلیل طبقاتی است و نه یک برخورد اصولی با اعمالی که به ظاهر خیرخواهانه است و در نیت نیک انجام دهندگان آن هم شکی نیست. برنامه‌های دولتهای رفاه در بعضی از کشورهای امپریالیستی همچون سوئد و هلند، در حدی است که اگر اینگونه برخورد مینا واقع شود، باید آنان را نهایت آرزوهای ما نامید و برای رسیدن به این موقعیت، الگوهایی اینچنینی را همچون بیری بر فراز هر جنبش اعتراضی به اهتزاز درآورد. واقعیت این است که در حال حاضر جامعه جهانی در موقعیتی برزخی بسر می‌برد و این مرحله گذار با دخالت نیروهای گوناگون، حالتی آشفته یافته است. از راست‌ترین جریانهای ضد مردمی گرفته تا رادیکال‌ترین آنها، در یک صف و یک صدا در برابر موج تمامیت‌خواهی امپریالیسم به مقاومت برخاسته‌اند. در صورتیکه با یک نگاه گذرا می‌توان به تفاوت ژرف این جریان‌های پی‌برد و با تحلیلی واقع‌گرایانه، می‌توان حدس زد که این صف در اولین تند پیچ به هم خواهد خورد و بسیاری در زیر دست و پا له خواهند شد.

بی‌رودریایی، حضور نفوشتیستها در کنار دشمنان طبقاتی شان یعنی کمونیستها، نه تنها نشان از دموکراتیک بودن این حرکات ندارد، بلکه بیانگر اینست که هیچ مرزبندی‌ای در این ملغمه‌ی به ظاهر معترض وجود ندارد. اینجاست که پوپولیستها و عوام‌فریبان از کنار رادیکالترین بخش جامعه به بالا می‌خزند و ناتوانی پیشرو را از سروسامان دادن به یک جریان به گونه واقعی دگرگونی طلب، آشکار می‌کنند. در چنین حالتی آیا آشتی طبقاتی که امری ناممکن است، اتفاق افتاده یا لیبرالیسم گل و گشاد نیروهای گوناگون موجود، دموکراسی ناب است؟ استناد به ویژگی صف بندی هنگامی رواست که طبقات اجتماعی با سامان دادن سازمانها و ارایه برنامه‌های

جهانی‌سازی سرمایه توسط امپریالیسم و فشار بر نیروهای غیر وابسته در کنار گوشه جهان برای هضم شدن در کمپانیهای فراملیتی، نوعی اعتراض همگانی‌ای را برانگیخته است که می‌توان آنرا واکنش این نیروها در مقابل اضمحلال شان نامید تا ایستادگی برنامه ریزی شده برای بقا. اکنون لیبرالیسم افسارگسیخته بیشترین فشار خود را بر سطح معیشت مردم وارد می‌کند بنابراین، بیشترین بخش این معترضین را کارگران و مزدبگیران تشکیل می‌دهند. مردم بجان آمده از تحمیل به خیابان می‌آیند و در اعتراض به جهانی‌سازی روزهای متوالی به شیوه‌های مختلف اعتراض می‌کنند. اما صدای اعتراض آنان به گوش کسی فرو نمی‌رود و در آخر، نومید به خانه باز می‌گردند و سعی می‌کنند بپذیرند که در مقابل قدرت رو به فزون دولتهای دست راستی، کاری از آنان ساخته نیست.

چرایی و چگونگی این امر که توسط مراکز مختلف تبلیغاتی، نظر سازی و تیمهای عملیاتی جنگ روانی طراحی می‌شود و از دور بدر کردن معترضین را هدف گرفته، چندان پیچیده است که تحلیل آن کار آسانی به نظر نمی‌آید و پیشرو جامعه را به سرگیجه گرفتار می‌کند. اما جهانی که امپریالیستها برای ما خواهند ساخت، چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه باید آنرا تحلیل کرد تا از هرز رفتن نیروها جلوگیری شود و راه را برای چندمین بار از ابتدا شروع نکنیم؟ آیا برخورد و مقاومت سطحی نیروهای اجتماعی در برابر یورش نتولیبرالیسم و موضعگیریهای عجولانه آنان در مقابل حریف را می‌شود یک صف بندی نامید؟ اگر آری، ویژگی آن چیست و توقع ما از آنان به چه میزان است؟

نام جنبش بر یک جریان هزار تکه نهادن و آنرا تا بالاترین حدممکن بالاکشیدن و دیگران را به دنباله روی از رهبران منطقه‌ای آن تشویق کردن، راه به ناکجا آبادی می‌برد که ناشی از یک بی‌برنامه‌گی است تا تحلیل مشخص از اوضاع مشخص. وظیفه کمونیستها در وحله اول، تحلیل طبقاتی از هر پدیده اجتماعی است و براساس برنامه‌های جریانات سیاسی - اجتماعی و با نگاه به سطح رشد نیروهای مولده

تشکلهای که از یک طرف در مرزهای ملی مدافع منافع سازماندهندگان یعنی اقلیت مختلف هستند، در سطح جهانی منافع اقلیت همطرز را مد نظر قرار می‌دهند و از آنها دفاع می‌کنند.

اینجاست که زنگ خطر برای حاکمان خودسر به صدا در می‌آید و آنان با تمام نیرو وارد کارزار می‌شوند و با دیدگاهی بغایت ارتجاعی در صف مخالفان جای می‌گیرند. خصوصی سازی شعار نتولیبرالیست است. با به کرسی نشاندن تئوری‌های اقتصادی آنان، دست دولتهای خودسر تحت نام ملی بودن از سرمایه‌های اساسی کشورهای تحت حاکمیت آنان کوتاه خواهد شد. این دولتها منابع ملی کشورهای خود که بیش از آنکه ملی باشد دولتی است را مال خود می‌پندارند و با دسیسه‌های متفاوت به چپاول مشغولند. در چنین حالتی آیا سرمایه‌های ملی همچنان باید در اختیار حاکمیت‌های غارتگر قرار داشته باشد و آیا در این حالت می‌توان واژه ملی را بر چنین سرمایه‌هایی جاری کرد؟ نمونه ایران به دلیل در دسترس تر بودن را در نظر بگیریم؛ آیا منابع نفت و گاز و مس و... در ایران ملی است؟ آیا حکومت نماینده مردم است که خود را مالک بی‌رقیب آن می‌داند؟ در چنین حالتی دولت ملی چگونه معنا پیدا می‌کند و آیا میتوان در هر حالتی او را مالک این سرمایه‌ها دانست؟ بنابراین باید بر تئوری‌های دیگر نهاد و برداشت خود را از دولت ملی تعریف کرد. در زمانی که جهان به دهکده‌ای کوچک تبدیل شده است، چگونه می‌شود ملی بود یا سرمایه‌داری ملی را نمایندگی کرد؟ تئوری‌های کهنه در این زمان ناتوانند و موضوعیتی ندارند، پس مینا را باید کجاقرار داد تا بتوان ملی بودن و ملی‌گرایی را تعریف کرد و از دل آن جنبش ملی، دموکراتیک را سامان داد؟ آیا مخالفت با جهانی‌سازی و درمقابل امواج نتولیبرالیسم ایستادگی کردن، نشانی از ملی‌گرایی است؟ برچه اساسی؟

سالهاست که تئوری دولت - ملت مورد مناقشه است و در کشورهایی همچون ایران، دولت به مثابه یک نهاد مدنی عمل نمی‌کند زیرا از هیچ استقلالی در برابر رهبر خودکامه برخوردار نیست و نمی‌تواند وظایف یک نهاد عرفی را انجام دهد. کشورهای همسان ایران در جهان فراوان هستند، همچون عربستان سعودی، کویت، امارات متحده و... حال

بقیه در صفحه ۱۱

طبقاتی خود، مردم را در برابر انتخاب قرار داده و شرایط را برای یک مبارزه همه جانبه آماده کرده باشند. مقاومت در برابر یورش همه جانبه امپریالیسم برای تبدیل جهان به یک شرکت سهامی، در داخل مرزهای یک کشور ماهیت ملی ندارد. زیرا در حال حاضر و با جهانی شدن سرمایه، تعریف ملی و مبارزات ملی از تئوریهای گذشته بسیار فراتر رفته و نیازمند بازبینی و تعریفی جدید است.

پیوند ارگانیک سرمایه در سراسر جهان و صاحب نفع بودن آنها در رشد نیروهای مولده، نیاز سرمایه را به آموزش نیروی کار و برپا کردن موسسات فنی و آموزشی، مد نظر قرار می‌دهد. بنابراین همین نیاز است که مارکس می‌گوید، سرمایه داری با دست خود گورش را می‌کند. بنابراین تکنولوژی، رشد همزمان پروسه تولید یعنی ابزار و نیروهای آن را میسر می‌سازد و با تعریفی درست، این وضعیت موقعیتی دوگانه را در برابر ما قرار می‌دهد. بنابراین اگر از یک طرف، نیاز سرمایه داری به نیروی کار ماهر به دلیل رشد ابزار تولید، موجب گسترش مراکز آموزشی می‌شود، باید با دید باز به آن نگرست و ماهیت این رشد را مورد ارزیابی قرار داد. این به معنای برهم زدن فرآیند رشد و مخالفت کورکورانه با آن نیست، بلکه درک درست داشتن از این پروسه است که رفرم را معنا می‌کند و به موضعگیری درست در مقابل آن می‌انجامد.

برخلاف برداشت غلط بعضی از شرکت کنندگان در اعتراضات علیه جهانی سازی، مخالفت نیروهای مترقی با جهانی شدن نیست. بلکه آنان بر سر چگونگی جهانی شدن با سیاستمداران امپریالیستی به مخالفت برخاسته‌اند. نیروهای مترقی جنبش بدیل جهانی سازی، خواستار دخالت خود در این مرحله‌اند. زیرا آنان فکر می‌کنند که در این مرحله باید منافع بخش فرودست جامعه در نظر گرفته شود و با تدوین قوانین تامین کننده منافع آنان، باید به مرحله بعدی پا گذاشت. هم زمان، جریانات واپسگرا که فنای خود را در این مرحله می‌بینند، با هرگونه سراسری شدن یا جهانی شدن منافع اقلیت فرودست مخالفت می‌ورزند. زیرا آنان در کشورهایی که خود را مالک بی‌رقیب آنجا می‌دانند، فعال مایشاء هستند و هرچه بخواهند می‌کنند. باتوجه به جهانی شدن نیروی کار و سرمایه، طبیعی است منافع اقلیت همطرز نیز جهانی می‌شود و به همین دلیل ایجاد سازمانهایی با ماهیت جهانی در دستور روز کار قرار می‌گیرد. این

## چند پرسش در نقد طبقاتی قدرت

بقیه از صفحه ۱۰

در چنین شرایطی آیا استنادگی در برابر امپریالیسم به دلیل دفاع از استبداد نهادینه شده، ماهیت ملی دارد؟

در یک کلام، مخالفت در همه حالات با امپریالیسم که شعار مسلط زمان جنگ سرد بود، سالهاست که کاربرد ندارد و مبارزه با امپریالیسم از کانال شعارهای آبکی مرگ بر این و آن فراتر رفته و شکل دیگری به خود گرفته است. زیرا اگر مبنا را بر این نوع مبارزه قرار دهیم، مجبور خواهیم شد که تضاد اصلی را در کشوری چون ایران، تضاد خلق و امپریالیسم ارزیابی کنیم. در این صورت نوع و جنس مبارزه ما برای آزادی و دموکراسی که نیاز مبرم جامعه ماست از کانال مبارزه با امپریالیسم می گذرد که ناچار با بخشی از جمهوری اسلامی در یک صف قرار خواهیم گرفت. در چنین صورتی مبارزه ما استقلال طلبانه است. «درحالی که رژیم ایران یک رژیم وابسته به مفهوم کلاسیک آن نیست» و به ظاهر ماهیت ملی به خود می گیرد. در صورتیکه آزادی و دموکراسی شعار یک و محوری مردم در برابر رژیم استبدادی مذهبی ایران است و این محقق نخواهد شد مگر از کانال مبارزه طبقاتی. یعنی، بدون یک صف بندی دموکراتیک و حضور پر رنگ طبقه کارگر و نمایندگان نظری آنها در این جنبش، مشکل بتوان بر استبداد مذهبی حاکم فایق شد.

سالهاست که رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند با طرح یکسری رفرم، مشکلات خود با مردم را حل کند ولی به محض اینکه اهرم فشار نظامی، امنیتی را کمی شل کرده، خود را در آستانه سقوط دیده و به سرعت دست و پایش را جمع کرده و به جای نخست باز گشته است. اما جمهوری اسلامی همزمان سعی می کند با ساختن بحرانهای خارجی و در راس آنها طرح شعارهایی علیه آمریکا در سطح بین المللی، خود را ضد امپریالیست جا بزند و از این راه مشروعیتی که در داخل از آن بی بهره است را در خارج جستجو کند. شیوه شل - کن - سفت - کن رژیم با اروپا و آمریکا و طرح گفتگوی انتقادی با آنها از همین جا سرچشمه گرفته است. بنابراین، این شیوه مبارزه با امپریالیسم که ممکن است در کشورهای دیگر کاربردی داشته باشد، در ایران سالهاست که مردم بهای

سنگینی برای آن پرداخته اند و به سدی در مقابل مبارزات آزادی خواهانه اقشار مختلف تبدیل شده است. از این رو، باید با در نظر گرفتن شرایط حال به تحلیل اوضاع پرداخت و موضوعاتی همچون ملی و ملی گرایی و برخورد با امپریالیسم و مبارزه ضد امپریالیستی را باز تعریف کرد. زیرا ناگفته پیداست که این موضوعات بخشی از مشکلات اصلی جریانات پیشرو امروز است. بدون پاسخ درست و اصولی به پرسش هایی از این دست نمی توان همچنان به دنبال نشانه هایی کوچک گشت و آنان را همه موضوع نامید. جستجوی بدون چراغ در تاریکی باعث خواهد شد هرکس برداشت خود را از موضوع مورد مناقشه بیان دارد که راه حلی فرا راه کسی قرار نخواهد داد.

موضوع دیگر، رفرمهایی است که در بخشی از کشورها مورد توجه قرار گرفته و بیش از نیروهای پیشرو، جریانهای خیرساز حاکم بر رسانه های جهانی به آنها می پردازند. موضوع رفرم و شکل و چگونگی آن از نوع نگاه جریانات طبقاتی به آنها تعریف می شود. در جهانی که به سوی یکسان سازی پیش می رود، رفرم هم مفهوم خاص خود را پیدا کرده و با گره خوردن به منافع طبقات اجتماعی بررسی می شود. در حالی که سرمایه تلاش می کند همه اجزای خود را در سرتاسر جهان با یک مرکز هماهنگ سازد، آیا ایستادگی و مقاومت در برابر این یکسان سازی تا کجا دوام خواهد آورد و حدتوان آن چقدر است؟ اگر استبداد ذاتی سرمایه است و گرایش او به سوی آن دایمی است، پس یکی از ارکان رفرم باید تقسیم قدرت و تلاش در جهت بهم ریزی هرم آن باشد. یعنی، گستراندن عرضی قدرت را می توان یکی از ستونهای این مقاومت نامید. حال دولتهای کشورهای نفت خیز که سرمایه های نفتی آنها در دست دولتها متمرکز است، چگونه باید با آن برخورد کنند؟ آیا اختصاص بخشی از درآمد نفتی به بخش رفاه اجتماعی را می توان رفرم نامید؟ در صورتی که در حال حاضر قیمت نفت سیر صعودی دارد، درآمد این کشورها از فروش نفت هم چند برابر شده است و آنان بیش از مبالغ محاسبه شده در بودجه سالانه خود، از محل فروش نفت درآمد دارند. یعنی سرریز این درآمد را صرف رفاه اجتماعی کردن رفرم است یا چیز دیگری؟ و از محل این بذل و بخششها برای دولت خود طرفدار دست و پا کردن و در مقابل جریانات دیگر قد علم کردن، چقدر می تواند برای چنین

## اعتراض پرستاران

زینت میرهاشمی

حداقل ۴۴ ساعت کار در هفته، کار چند شیفته در روز، قراردادهای کوتاه مدت که برخی از آنها از ماه فراتر نمی رود، پایین بودن درآمد، نداشتن تعطیلات نوروزی و برخوردار نبودن از مزایای کاری، از جمله موارد مشترکی است که پرستاران را تاکنون به حرکتیهای اعتراضی کشانیده است. پرستاران به مناسبتهای مختلف، از جمله روز پرستار، برای تحقق مطالبات خود دست به حرکتیهای اعتراضی و از این میان، تحصن زده اند.

یکی از حرکتیهای اعتراضی پرستاران در ۱۴ تیر انجام شد که پیرامون خواست افزایش حقوق و سخت و زیانبار شمردن این حرفه شکل گرفته بود.

اعضای شورای عالی نظام پرستاری، پرستاران را برای تحقق خواسته هایشان، به تحصن اعتراضی در مقابل مجلس فرا خواندند.

بنا بر گزارش ایلنا ۱۸ مهر، خانه پرستار طی بیانیه ای حمایت خود را از این تحصن اعلام کرده است. در این بیانیه به حقوق پایین پرستاران اشاره شده و آمده است که «ملاک پرداخت در کشور ما بر اساس رانت، رابطه و نفوذ است.»

در حالی که فراخوان دهندگان به حرکت اعتراضی مزبور، محل تحصن خود را در مقابل مجلس اعلام کردند، دبیر کل خانه پرستار در گفتگویی با ایلنا اعلام کرد، محل تحصن به روبه روی سازمان مدیریت و برنامه ریزی منتقل شده است. خانه پرستار که در مقابل اقدام اعضای شورای عالی نظام پرستاری به تحصن، در برابر عمل انجام شده ای قرار گرفته است، با صدور بیانیه ای حمایت خود را اعلام کرد. خانه پرستار در بیانیه خود می نویسد: «کار به جایی رسیده که اعضای شورای عالی نظام پرستاری که باید نقش سیاست گذاریهای کلان پرستاری را عهده دار باشد، آنقدر عرصه را تنگ دیده که در جلسه تاریخی ۱۱ مهر خود به این نتیجه رسید که خود وارد میدان شود و با تحصن در مقابل مجلس شورای اسلامی به مسوولان ثابت کند دیگر جامعه پرستاری بیش از این تحمل ندارد و موضوع بسیار جدی و حیاتی است.»

۱۹ مهر ۱۳۸۳

## رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

## استقبال بی سابقه از آخرین اثر گابریل گاسیا مارکز

ده ها نسخه از کتاب جدید گابریل گارسیا مارکز به نام "خاطرات فاحشه غمگین من" قبل از اینکه در کلمبیا به طور قانونی منتشر شود، بطور قاچاق فروخته شد. این رمان داستان پیرمردی را روایت می کند که خاطرات زندگی اش را به یاد می آورد. رمان مذکور، روز چهارشنبه ۲۰ اکتبر زودتر از موعد مقرر به چاپ رسید و با استقبال بی نظیری در سراسر دنیای اسپانیایی زبان روبرو گشت. ناشران این کتاب گفته اند که یک میلیون کپی از آن در دسترس قرار خواهد گرفت.

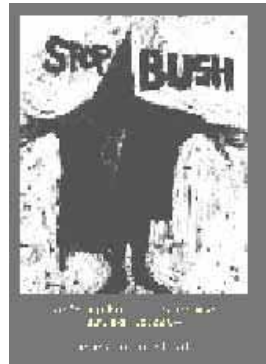
مارکز که کتابهایش در امریکای لاتین از محبوبیت بسیاری بر خوردار است، در سال ۱۹۸۲ جایزه نوبل در رشته ادبیات را نصیب خود کرد. رمان معروف "صد سال در تنهایی" یکی از بهترین آثار این نویسنده می باشد. گارسیا مارکز همواره در سیاست و سازماندهی مبارزات مردم نقش فعالی داشته است، بطوریکه دولت کلمبیا او را به بهانه همکاری با گروههای چریکی به زندان انداخت. انقلاب کوبا نقش بسزایی در پیشبرد فعالیت های او داشته است. مارکز در سال ۱۹۸۶، سینمای آمریکای لاتین را در کوبا بنیان گذاری کرد. او در حال حاضر تحت کنترل و محافظ امنیتی در کشورش کلمبیا زندگی می کند.

## فیلم "خانه بن لادن" از لیست فستیوال خارج شد

فستیوال بزرگ هنر های مدرن در انگلیس در حال برگزاری می باشد. در این فستیوال، یکی از آثاری که کاندید دریافت جایزه نخست شده بود ("خانه بن لادن")، در آخرین روزها، بنا به دستور برگزارکنندگان این فستیوال از لیست خارج شد. جایزه ترنر در این فستیوال به بهترین آثار هنری هنرمندان زیر ۵۰ سال داده می شود.

## جنگ در عراق، الهام بخش آثار هنری روز

بسیاری از هنرمندان معتقدند، جنگ در عراق الهام بخش آنان در آفرینش هنر سیاسی گشته است. پال چاوز، طی مقاله ای که از سوی خبرگزاری آسوشیتد پرس در روز ۱۴ اکتبر منتشر شد می نویسد، نقاشان، مجسمه سازان، هنرمندان و پوستر سازان و... در



آفرینشهای هنری خود به شکل بی نظیری اعتراضات سیاسی خویش را به نمایش گذاشته اند. این آثار هنری حتی از زمان جنگ ویتنام و اعتراضات علیه دولت نیز بیشتر شده است. هم اکنون پای این جنبش به اینترنت نیز کشیده شده است، تا آنجا که با بکارگیری از این رسانه، روز ۱۳ اکتبر به روز نصب تصاویر هنری - سیاسی ریچارد سرا که یکی از بهترین

مجسمه سازان عصر به شمار می رود نیز به اینترنت رو آورده و تصویر مشهوری که زندانیان عراقی را

با کیسه بر روی سر آنان به نمایش گذاشته و پیام "بوش را متوقف کنید" را می دهد را به نمایش گذاشته است. روز اول اکتبر، نمایشگاهی هنری در سنتا مونیکا، کالیفرنیا، ترتیب داده شده بود. در این نمایشگاه، پوسترهای سیاسی، برجسپهای پشت اتوموبیل و کارت پستالهایی به نمایش گذاشته شده که با استقبال بسیاری روبرو گشت. بر روی پوسترها و کارتها نوشته هایی همچون "وحشت تولید خالص ملی ماست" و غیره دیده می شد.

## فستیوال فیلم تورنتو

در سال جاری نیز در فستیوال فیلم تورنتو بسیاری از هنرمندان فیلمساز به جنگ در عراق و افغانستان و پیامدهای حاصله از آن پرداخته بودند.

فیلم سگ ولگرد، به نوشته و کارگردانی مرضیه مخملباف، زندگی دو کودک افغانی را که پدر آنها در زندان ابو غریب به جرم کمک به طالبان و مادرشان در زندان به جرم ازدواج با مردی دیگری پس از اینکه تصور کرده شوهرش زنده نیست، بسر می بردند، را به نمایش گذاشته است. طی داستان فیلم، زندگی سخت این دو کودک و تلاش آنان برای پیوستن به مادرشان در زندان به تصویر کشیده شده است.

منتقدین این فیلم، ضمن بر شمردن نکات زیبا و پر قدرت آن، به این امر که فیلم به جوانب تاریخی زندگی مردم کنونی و تحت شرایط ناشی از جنگ تصویر کرده است، مورد انتقاد قرار داده



اند.

فیلم دیگری که برای این فستیوال برگزیده شده بود، "لاکپشت ها می توانند پرواز کنند" به کارگردانی بهمن قبادی بود. این فیلم زندگی کودکان یتیم که بسیاری اعضا بدن خود را در اثر جنگ و انفجار مین از دست داده بودند و در کمپهای آوارگان عراق - ترکیه بسر می بردند را به تصویر کشیده است.

فیلم مذکور نیز دارای نکات قدرت و ضعفی می باشد. نکات قدرتمند آن به تصویرکشیدن ماهرانه شرایط زندگی کودکان در این کمپها می باشد. این



Stray Dogs

فیلم نیز به جهت کم توجهی به ریشه های وضعیت موجود و راه مبارزه با آن مورد انتقاد برخی از منتقدین قرار گرفته است

از دیگر فیلمهای با ارزش فستیوال تورنتو، فیلم Land of Plenty (سرزمین فراوانی) به کارگردانی فیلمساز آلمانی وین وندرز می باشد. این فیلم جدی ترین نگاه را به وقایع پس از ۱۱ سپتامبر افکنده است

فیلم The World (جهان)، به کارگردانی فیلمساز چینی، Jia Zhang-ke است که نگاهی تیز بر تأثیرات سخت بازار آزاد بر جوانان و کارگران در چین افکنده است. فیلم Gunner Palace، (کاخ اسلحه) فیلم مستندی است که در باره اشغال عراق توسط آمریکا ساخته شده است. همکار نویسنده ماجرای این فیلم، مایکل تاگر در بین سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ چهار بار به عراق سفر کرده و اعضا ارتش آمریکا را که در قصر پسر صدام، عدی حسین، مستقر بوده اند زیر نظر گرفته است.

\*بر گرفته شده از نوشته دیوید والش در "مشکل ساخت فیلم های بارزش و بهترین آثار امروزی"

## برنده امسال جایزه نوبل ادبیات

خانم آلفرید جلینگ، یکی از نویسندگان محبوب اتریشی، امسال برنده جایزه نوبل ادبیات شد. او دهمین زنی است که این جایزه را از آن خود کرده است. در سال ۲۰۰۱، بر اساس داستانی که او نوشته بود، فیلم معروف "معلم پیانو" به نمایش گذاشته شد. در اکتبر امسال در کمتر از سه روز، ۳ کتاب او در



لیست پر فروش ترین کتاب سال قرار گرفت. او که قبلا در فرانسه شهرت و طرفداران بسیاری کسب کرده بود اکنون به شهرت جهانی دست یافته است.





## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۳

**دختری ۱۳ ساله به نام ژایلا ایزدی در ایران محکوم به سنگسار تا سر حد مرگ شده است**



آفتن بلادت، سیزده اکتبر ۲۰۰۴

به گزارش روزنامه سویدی آفتن بلادت، دختری سیزده ساله ای توسط برادر خود که دو سال از وی بزرگتر است باردار شده و از طرف دستگاه قضایی ایران حکم سنگسار گرفته است. به گزارش امنستی سوئد در استکهلم، ژایلا در زندان شهر مریوان و برادر وی در یکی از زندانهای تهران به سر می برند. دو هفته پیش ژایلا نوزاد خود را در زندان به دنیا آورد که این نوزاد سریعاً از وی جدا گردیده است.

بر اساس گفته های خانم ناهید ریاضی که در کمیته دانمارکی «کمیته حمایت از حق و حقوق زنان ایران» فعالیت می کند، برادر ژایلا ایزدی به صد و پنجاه ضربه شلاق و ژایلا به سنگسار تا مرگ محکوم شده اند.

خانم ریاضی می گوید: ممکن است این حکم سنگسار به حکم اعدام تغییر کند در هر صورت شرایط برای این دختر سیزده سال بسیار نگران کننده و خطرناک است.

امنستی استکهلم در طی نشستی با خانم شیرین عبادی از نظرات وی نیز در این رابطه با خبر شد و بلافاصله با مرکز اصلی در لندن تماس گرفته تا پرونده ژایلا ایزدی را دنبال کنند.

به گفته کارل سودربری، یکی از فعالان امنستی در سوئد واضح است که این اولین زنی نیست که در ایران سنگسار و یا اعدام می شود. در پانزده ماه سپتامبر دختری دیگر به نام عاطفه رجبی در این کشور به دار آویخته شد.

مقامات قضایی ایران وی را دختری با ناراحتیهای روحی روانی توضیح داده و به دلیل داشتن روابط جنسی خارج از ازدواج به دار آویختند.

در کشور ایران سن دختران برای این که از نظر حقوقی مجرم شناخته شوند از نه سال شروع می شود و این موضوع که با کودکان همانند بزرگسالان رفتار می شود بسیار نگران کننده است.

### خودسوزی زنان، فریاد انسان به تنگ آمده از تبعیض و ظلم

جعفر پویه

شیوه تبعیض آمیز برخورد با زنان در رژیم جهل و جنایت جمهوری اسلامی، هر روز تعداد بیشتری از آنان را قربانی می کند. نگاه ایدئولوژیک رهبران و قانونگذاران رژیم به زنان، باعث می شود که آنها زنان را موجوداتی ناتوان، نصف مرد و تابع قدرت او معنا کنند. هرچند جامعه مردسالار در سراسر گیتی حاکم است و دید کلی بر تبعیض جنسی و برتری مرد استوار است ولی تلاش پیگیر زنان برابری طلب در جوامعی که قانون دست بالا را دارد، باعث گردیده است که با توسل به مکانیزم اداره این جوامع، قوانینی به نفع زنان برای جلوگیری از بعضی از تبعیضها وضع گردد. اما در جوامعی همچون ایران، نه تنها همان قوانین نیم بند حکومتی در مقابل احکام مذهبی ارزشی ندارد بلکه، با بازگذاشتن دست مردها در برخورد با زنان، هر مردی به شیوه خود با آنان برخورد می کند. در سطح جامعه نیز قوانین تبعیض آمیز و برخورد کاملاً یک جانبه مراکز قضایی باعث می گردد تا زنانی که برای دادخواهی به آنان مراجعه می کنند، از همان ابتدا به چشم متهم به آنان نگریسته شود.

انواع و اقسام تبعیضهای جنسی، بی حقوقی زنان در مجامع قضایی، سرکوب بی پروای زنان توسط حکومت، برخورد خشن مردان با انگیزه های ناموسی، قتلهای خاموش و بدون جزای زنان، آنها را با نومییدی مواجه می کند. بسیاری از زنان در اثر این تبعیضها، با مشکلات روحی مواجه می شوند و شماری نیز با گوشه گیری و انزوا، عملن از جامعه طرد می شوند. همزمان، آمار خودکشی زنان بطور چشمگیری سیر صعودی یافته و در این میان خودسوزی، به یکی از فجیعترین این شیوه ها تبدیل گردیده که توسط زنان ناامید به کار گرفته می شود. هر روزه در چهار گوشه کشور، پیکرهای زنان به تنگ آمده از ظلم جامعه و خانواده، شعله

ور می شود و از آن تنها اشاره ای در خبرها می آید، نه بیشتر. در حالی که این شیوه اعتراض آمیز زنان برای رساندن فریاد خود به گوش دیگران، چندان مورد توجه قرار نمی گیرد و از آن تنها با خودکشی یک زن یاد می شود.

روز ۱۵ مهر یک دانشجوی دختر در دانشگاه بجنورد خود را به آتش می کشد، و همزمان زن دیگری در اسلامشهر دست به خودسوزی می زند که تلاش دختر او برای نجات جان مادرش، باعث سوختن دختر نیز می گردد. در همین روز، خبرگزاری دولتی ایسنا، خبر از خودکشی بیست زن در شهرستان لارستان فارس در مدت یک سال گذشته می دهد. در همین خبر، ایسنا علت خودکشیهای فوق را بیماریهای روحی، از جمله افسردگی، انزوایی و خانوادگی و در پی آن طلاق، خودکشی، همسرآزاری توسط مردان، تضییع حقوق زنان در مسایل حقوق قضایی به خصوص در جامعه نقل می کند.

تا به کی زنان ایرانی باید برای اعتراض به بی عدالتیها و تبعیضهای گوناگون دست به خودکشی و خودسوزی بزنند تا دیگران بتوانند صدای اعتراض آنان را بشنوند؟ هر زن شعله ور صدای فریاد انسان به تنگ آمده از تبعیض و ظلم است، آنرا بشنوید!

باید برای برانداختن بنیان این بی عدالتیها و تبعیضها آستین را بالا زد. تا هنگامیکه که در ایرانی رژیم برقرار است که تبعیض علیه زنان بخش جدایی ناپذیر آن به شمار می رود، تا وقتی که مردان در آزار زنان پروای هیچ تعقیب قانونی را ندارند، تا زمانی که روابط اجتماعی براساس سنت تعریف شود نه قانون و در پایان تا وقتی که جامعه در روابط خود رشد نکرده باشد، امید چندانی به بهبود اوضاع نمی رود.

با رشد روابط تولیدی و ارتقاء سطح فرهنگ مسلط جامعه از بربریت به روابط مدرن و قرار دادن زنان در مدار اجتماعی برابر با مردان و برخورداری آنان از حمایت قانونی در برابر مظالم خانواده و اجتماع، می توان از خودکشی و شعله ور شدن آنان جلوگیری کرد. این امر ممکن نیست مگر با به میدان آمدن زنان برای بدست آوردن حقوق خویش.

## سرکوب یا امنیت اجتماعی،

## کدام وظیفه؟

منصورامان

باوجود گذشت بیش از سه هفته از آشکار شدن جنایت تکان دهنده ی پاکدشت، سرگماشته نیروی انتظامی، به عنوان مسوول ارگان اصلی "نظام" در پیشگیری و جلوگیری از جرایم، همچنان از پاسخگویی طفره می رود. پاسدار قالیباف، پرداختن به جزئیات جنایت مزبور که طی آن سهم دایره ی تحت امر او در وقوع و استمرار آن نیز آشکار خواهد گردید را هربار به "فرصت مناسب" بعدی موکول می کند. او درحالیکه ادعا می کند پرونده هنوز به "نقطه قابل قبولی" نرسیده، باین وجود از هم اکنون، انبان خود را از توجیحات رنگارنگ برای فرار از مسوولیت پر کرده است.

پاسدار قالیباف در آخرین گفتگوی مطبوعاتی خود نیز به فراخ ترین حفره ی فرار از انتقادات و اعتراضات مردم خزیده و کمبود "نیروی انسانی مورد نیاز نیروی انتظامی" را علت ناتوانی این دستگاه از پی گیری بهنگام جنایت پاکدشت و کشف آن در نخستین مراحل وقوع عنوان کرده است. از سوی دیگر، سرکرده نیروی انتظامی، خود وظیفه تسهیل دآوری پیرامون باور پذیر بودن این بهانه را نیز به عهده گرفته است.

او که لازم دیده برای سبک کردن بار انتقادات، مختصری نیز به شرح خدمات نیروی انتظامی بپردازد، نشان می دهد که چگونه وظیفه اصلی خویش را بدون هیچگونه نگرانی از کمبود نیرو و با دست باز انجام می دهد. پاسدار قالیباف، کبابه می کشد که تنها در عرض هفته های اخیر، نیروهای کم شمار او ۱۹۶ نفر را به اتهام "خداشه دار کردن عفت عمومی و انضباط اجتماعی" دستگیر نموده اند، با "جرائم اینترنتی" برخورد کرده اند و "تجمع ضد انقلاب" را برهم زده اند.

این را فقط بدقابالی قربانیان جنایت پاکدشت می توان به حساب آورد که تامین امنیت مردم و مبارزه با تبهکاری، در زمره وظایف اصلی بازوی انتظامی "نظام" قرار نمی گیرد.

۷ مهر ۱۳۸۳

۱۶ مهر ۱۳۸۳



## حذف موسوی، بی نتیجه گی حرکت خلاف عقربه های زمان

منصور امان

## ارزش های انسانی فراتر از قانون

لیلا جدیدی

تفسیر خبری جنگ صدا - ۲۴ مهر

کنارگرفتن میرحسین موسوی از رقابتهای ریاست جمهوری، حاشیه ای بردومتن است که نقطه پایان اولی، بسا پیشتر از این گذاشته شده بود و دومین درحال نگاشته شدن است. سماجت رقت بار "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی برای دور کردن پایان اجتناب ناپذیر "پروژه دوم خرداد"، باحذف موسوی بی نتیجه گی دیدن در جهت خلاف عقربه های زمان را روشن تر از هرگاه دیگر در برابر طیفهای گوناگون "جبهه دوم خرداد" به نمایش درآورد. و در سوی دیگر، این تحول شناسه های دورانی که جمهوری اسلامی در آن به سر می برد را باناکیدی دوچندان، برسر دست می گیرد.

ویژه خود از "چانه زنی"، دوراندیشانه به ارزیابی وضعیت خود در آستانه از دست دادن قوه مقننه نشسته بودند. ادامه یافتن این روند تا برش انتخابات ریاست جمهوری، هیچ مفهوم دیگری جز قطعیت یافتن تلاشی جبهه مزبور نداشت. امری که مستقل از تضعیف عمومی جناح مغلوب، شانس آن برای به حساب آمدن در معادلات آتی به عنوان یک فاکتور موثر را به میزان ملاحظه پذیری کاهش می داد. آنگونه که کمی بعدتر آشکار شد، طرح کاندیداتوری آقای موسوی، نقطه مشترکی می بایست باشد که کلیه گرایشهای "جبهه دوم خرداد" درچالش انتخابات ریاست جمهوری، یکدیگر را در آن باز یابند.

ناگفته روشن است که برنده بیرون آمدن آقای موسوی یا هرنامزد دیگر "دوم خرداد" از انتخابات مزبور، حتی برای خوش بین ترین اعضای آن نیز اگر نه غیرممکن، دست کم نامحتمل به نظر می رسید. اما آنچه که بیش از یک شکست جدید در رقابتی دیگر اهمیت داشت، حفظ انسجام درونی، باقی ماندن در صحنه ی سیاسی جمهوری اسلامی به عنوان یک نیروی اعتناپذیر و در مجموع، کسب آمادگی برای ورود به دوران پس از خاتمی بود.

برای روشن شدن میزان خیالبافی نهفته در این طرح، نیازی به انتظار برای آغاز جدی رقابتهای جناحی برای انتخابات نبود. تقریباً همزمان با اعلام تمایل "جبهه دوم خرداد" به نامزدی موسوی، آقای سلامتی، دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - یک جریان پرنفوذ "جبهه" یاد شده - پای یک کاندیدای دیگر را به میان کشید. وی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را به کاندید نمودن خویش فراخواند و همزمان از حملات صورت گرفته علیه او در جریان جدال برسر مجلس ششم عذر تقصیر خواست. رویکرد فرصت طلبانه و کرنش آمیز مزبور، تمام حقیقت تلنبار شده در ایده ی وفاق "اصلاح طلبان" را روی میز گذاشت. به همین صورت، حذف آقای میرحسین موسوی، آینده "جبهه" ی آنان به مثابه قالب کهنه ی وضعیتی که تکرار ناپذیر است را نمایش داد.

شتاب تحولات از سطح دریافت و امکانات آقای سلامتی یا حجت الاسلام کروی فراتر رفته است و واکنش آنان در برابر شرایط جدید، دست زدن به تدابیری است که مهمترین ویژگی آنها با عدم پایداری در مقابل ضرب انگشت واقعیات متمایز می گردید.

اکتبر ۲۰۰۴ (۲۲ مهر ماه) اجرا شود.

حکومت ولایت فقیه در حالی این حکم جنایتکارانه را صادر کرده است که قاضی و افسران نظامی متهم به تجاوز به عاطفه رجبی که اخیراً اعدام شد، همگی آزاد شده اند.

جمهوری اسلامی هنوز یکی از معدود کشورهای جهان است که این حکم ناعادلانه را نه تنها از قوانین خود حذف نکرده بلکه، به دفعات از آن استفاده می کند. تاکنون ۸۰ کشور جهان حکم اعدام را از قوانین



کرده اند.

خود حذف کرده اند و بسیاری دیگر اگر چه در قوانین خود این مجازات را منظور کرده اند اما از به کارگیری آن دوری می جویند.

بنا به گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۰۳، ۸۳ درصد از اعدامهای صورت گرفته، در کشورهای چین، ایران، آمریکا و ویتنام بوده است.

صدای اعتراض آمیز مردم جهان علیه حکم اعدام، در دفاع از ارزشهای انسانی ای است که فراتر از قانون قرار می گیرد. مجازات اعدام، نفی حقوق بشر است زیرا ارزشهای انسانی در آن نادیده گرفته می شود. این حکم در اکثر مواقع در دادگاههای ناعادلانه و یا به دلایل

سیاسی صادر می شود و در میزان وقوع جنایت تاثیری نداشته است. از سوی دیگر و در صورت بیگناه اعدام شدن فرد، راه بازگشت باقی نمی گذارد.

احکام اعدامی که در جمهوری اسلامی صادر می شود، نقض کامل حقوق بشر و کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی - مدنی سازمان ملل که ایران در آن عضویت دارد، می باشد.

مدافعین حقوق بشر اکتبر را به ماهی برای مبارزه همه جانبه علیه قانون اعدام در حکومت ولایت فقیه و دیگر رژیمهای ستمگر تبدیل خواهند کرد.

۲۰ مهر ۱۳۸۳

روز ۱۰ اکتبر، روز جهانی مبارزه علیه اعدام است. از هم اکنون، سازمانها و نهاد های بین المللی و همچنین مدافعان حقوق بشر در سراسر جهان، اقدام به برگزاری کنفرانسها، راه پیمایها و میتنگها، در اعتراض به این اقدام غیر انسانی

درهمین زمینیه، از روز ۶ اکتبر، کنفرانسی چهار روزه در مونترال کانادا برگزار شده است. در این کنگره تعدادی از کسانی که به خطا محکوم به اعدام گشته بودند، در جایگاه شاهد قرار گرفته و بر غیرانسانی بودن این حکم شهادت دادند. همزمان، محققان و حقوق دانان، عادلانه بودن حکم اعدام را زیر سوال برده و جامعه شناسان و سیاستمداران، بی اثر بودن آن را در مبارزه با جنایت مورد بحث قرار دادند. همچنین، مدافعین حقوق بشر، بر جنبه ضد انسانی این قانون پای فشرده.

این در حالی صورت می گیرد که سازمان عقوب بین الملل که از پیشنهادان جنبش علیه مجازات اعدام است و فعالانه در این کنفرانس نیز شرکت دارد، طی یک فراخوان خواستار اقدام فوری برای نجات جان یک زن ۳۳ساله ایرانی به نام فاطمه حقیقت پژوه گشته است. در این فراخوان گفته شده، فاطمه حقیقت پژوه، متهم به قتل همسرش می باشد زیرا همسر او می خواسته به دختر ۱۵ ساله این زن که حاصل ازدواج پیشین او بوده، تجاوز کند. شوهر این زن همچنین گفته است که دختر او در قماربه مرد دیگری باخته است. حکم اعدام فاطمه با تصویب دادگاه عالی قضایی قرار است در سیزده

## دادگاه نمایشی جنایت پاکدشت توسط خانواده های کودکان متوقف شد.

جعفر پویه دادگاه نمایشی متهمان به قتل کودکان پاکدشت، توسط خانواده های کودکان جانباخته برهم زده شد و قاضی ختم دادگاه را اعلام کرد. ماموران قوه قضاییه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که خود دستشان به کودک آزاری آلوده است، صلاحیت برگزاری دادگاهی برای جاری کردن عدالت را ندارند. قوه قضاییه که به "قوه قضاییه" در بین مردم شهرت دارد، درحالی یک دادگاه نمایشی برای متهمان فاجعه پاکدشت را برگزار کرده است که نمایندگانی از همین نهاد در جریان پرونده خانه ریحانه، جزو متهمان درجه اول سواستفاده جنسی از کودکان بوده اند و از سرنوشت این پرونده هنوز اطلاع درستی در دست نیست.

نمایندگان عدالت در رژیم جمهوری اسلامی، دست در دست باند‌های جنایتکار دارند و هر از چندی با برگزاری نمایشهای مضحکی سعی می کنند که قاطعیت خود را اثبات کنند. این درحالی است که پرونده سوء استفاده های کلان مالی کسانی چون شهرام جزیری بلاتکلیف مانده است و فرزندان صاحبان قدرت که به "آقازاده ها" مشهور هستند، با استفاده از موقعیت خود به کلاهبرداری مشغولند. آنها در صورتی که به دادگاه فرا خوانده شوند با برگزاری یک دادگاه نمایشی به راه خود رفته و سر کار خویش می گیرند. فرزندان طبسی معروف به "شاه خراسان" و هاشمی رفسنجانی، نمونه هایی از این هزاران هستند. پسر فلاحیان وزیر جنایت پیشه سابق اطلاعات در روز روشن یک نفر را با شلیک گلوله به قتل می رساند و مورد پیگرد قرار نمی گیرد چون قوه قضاییه در کارش قاطع است.

هر روز در کنارگوشه شهرها با برپا کردن چوبه های دار، نمایندگان ولایت فقیه خشونت را به رخ مردم می کشند و توقع دارند که با این شیوه جلو انجام بزه را بگیرند. جوانان به جریمه های بی پایه مورد آزار و اذیت ماموران قرار می گیرند و گمناشته گان حکومت در هر کوی و برزن، بساط امر به معروف و نهی از منکر را با قتل و کشتار سامان می دهند. پرونده

قتلهای زنجیره ای کرمان همچنان در کشاکش بین جرم و نهی از منکر در نوسان است و قوه قضاییه از تصمیم گیری در برابر این جنایان ناتوان است.

پرونده جنایت پاکدشت هنگامی به دادگاه می رود که کاهش یافتن مرحله تحقیق در آن به حداقل زمان نشان می دهد که ماموران حکومتی سعی دارند تا سروته این پرونده را بهم آورند و آنرا مختومه اعلام کنند. در روز برگزاری دادگاه یکی از متهمان گفت که اعترافات او تحت فشار ماموران حکومتی بوده و خود را بی گناه نامید. از جانب دیگر، یکی از متهمان با گردن گرفتن همه قتلهای به شیوه فیلمهای هالیوودی خود را قهرمان یک داستان جنایی می داند و با داشتن آمپولی حاوی سیانور در یک دست و سنگ ترازو در دست دیگر، به شکار سگ و گربه و آدم می رود و هرچه را می یابد می کشد. خانواده های کودکان با شنیدن داستانهای ساختگی "بیجه"، بساط این نمایش مضحک را برهم می زنند و اعلام می کنند که یکی از قاتلین را زمانی که آنان دستگیر و به ماموران تحویل می دهند با سپرده ۱۰۰ میلیونی آزاد می گردد، درحالی که او فردی معتاد و بی چیز است و اعدام وی مشکلی از ایشان حل نمی کند. به گفته خانواده های کودکان، درپشت این ماجرا دستهای دیگری در کار است که سعی می کند پرونده را در همین مرحله پایان برد. آنها می گویند که قاضی به خواسته های آنان برای تحقیق بیشتر توجه نکرده است و احتمال وجود باند خرید و فروش اعضا بدن که سرخ آن به مقامهای رژیم می رسد، وجود دارد. اینکه نظریات یاد شده چقدر می تواند به حقیقت نزدیک باشد را فقط تحقیقات بی طرف می تواند پاسخ دهد. رژیم جمهوری اسلامی حتما مانع حضور خبرنگاران در این دادگاه شد و خبرنگارانی که از ابتدا در جریان این قتل بودند و افشاگری آنان باعث پیگیری تا همین مرحله شده است را از خبر رسانی محروم کرد.

رژیم جمهوری اسلامی، رژیم جنایتکاران است و دست سردمداران این رژیم به خون مردم ایران آلوده است. بنابراین، عوامل چنین رژیمی نه صلاحیت و نه توان برگزاری یک دادگاه عادلانه را دارند.

۲۳ مهر

## بستن جاروی "رهبری خلع سلاح خاورمیانه" به دم موش - ملا

لیلا جدیدی یکی از بازیگران سیرک نمایشی جمهوری اسلامی در بازیهای اتمی، حسین موسویان که سمت دبیری کمیته سیاست خارجی شورای امنیت رژیم را با خود یدک می کشد، در گفتگویی با خبرنگار ایلنا گفته است: "ما اجرای تبعیض آمیز کنوانسیون را تحمل نخواهیم کرد ولی درعین حال آماده هستیم تا نقش رهبری خلع سلاح خاورمیانه را برعهده بگیریم."

ادعای موسویان مصداق زنده مثالی است که می گوید، "وقتی یکبار سخن گفتی باورت کردم، بار دوم که تکرار کردی شک کردم و بار سوم که بر آن تاکید کردی دریافتم که دروغ می گویی."

آقای موسویان در همین گفتگو می گوید: "اگر تعلیق را با هدف توقف غنی سازی بخواهند آن را نخواهیم پذیرفت." او تعلیق غنی سازی با هدف اعتماد سازی را به حصول دو شرط منوط می سازد. دو شرط مذکور یکی به "رسمیت شناختن حق جمهوری اسلامی در بهره مندی از فناوری هسته ای" و همکاری با جمهوری اسلامی در زمینه های فناوریهای صلح آمیز هسته ای و سایر فناوریهای پیشرفته" و دیگری "رعایت ملاحظات امنیتی ایران در منطقه" می باشد.

به نظرمی آید که رژیم از هم اکنون دل به سیاست "تنبیه و تشویق" هنوز به اجرا در نیامده اروپاییها بسته وبا ارایه لیست درازی از تشویقهایی که مایل است شامل حالش گردد، شلاق تنبیه را نازک سفارش می دهد. رژیم، سوراخی را که برای فرارش هنوز باز نشده، شاهراه وسیعی برای مانور خود می بیند.

آنچه که مسلم است جامعه جهانی و بویژه غرب، سلاح اتمی در دست رژیم را هرگز نخواهند پذیرفت. "رهبری در خلع سلاح خاورمیانه" رژیم به همان اندازه سخنی مضحک است که مجرمی خواهد مامور انتظامات دادگاه شود. این را تنها یا یک فرد دیوانه می تواند بگوید و یا یک فریبکار ناشی.

۲۷ مهر ۱۳۸۳

## هدایای سه کشور اروپایی به رژیم ایران جهت کوتاه آمدن

زینت میرهاشمی سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان، در نشستی در پشت درهای بسته، پیشنهادهای به حکومت ایران برای دست کشیده از برنامه های اتمی اش ارائه دادند.

سه کشور اروپایی در نشستشان با مقامات جمهوری اسلامی، پیشنهادهای خودشان را در قالب بیانیه ای اعلام کردند. اروپاییها در این بیانیه از حکومت ایران خواسته اند که از تمام برنامه های غنی سازی و تمامی فعالیتهای مربوط به پردازش اورانیوم، مانند ساخت و عملیات هر نوع جداسازی پلوتونیوم و تقویت مواد برای فرایند غنی سازی دست بکشد.

صادرکنندگان بیانیه علاوه بر پیشنهادهایی مبنی بر کمک اتحادیه اروپا برای تامین انرژی و راههای دست یابی به آن، ماده ای هم به عنوان هدیه بر روی میز مذاکره قرار دادند.

اروپاییها برای شیرین کردن کام جمهوری اسلامی، در بیانیه خود آورده اند که: «ما به نگرستن به سازمان مجاهدین خلق ایران - گروه مقاومت ایرانی - به عنوان سازمانی تروریستی ادامه خواهیم داد». (خبرگزاری فرانسه)

یکی از پیشنهادهای جالب دیگر، اعلام کمک به وارد شدن ایران به سازمان تجارت جهانی است که چندین سال مورد پذیرش قرار نگرفته است.

در شیوه ها و روش اتحادیه اروپا نسبت به فعالیتهای اتمی جمهوری اسلامی تناقضی آشکار وجود دارد. این تناقض و تضاد تا کنون فرصتهای بسیاری را در اختیار استبداد مذهبی حاکم بر ایران قرار داده است. استفاده از زمان و فرصت از جمله راهکارهای رژیم برای جا انداختن خود در باشگاه اتمی است.

کشورهای اروپایی تنها یک گزینه را در اختیار ایران قرار می دهند و آن هم توقف روند غنی سازی است که تا ۲۵ نوامبر باید تکلیف آن مشخص شود.

شیوه برخورد سه کشور اروپایی در قربانی کردن سازمان مجاهدین خلق، در معامله با رژیمی که منبع صدور ترور و خشونت است، محکوم و پامبال کردن حق مردم ایران برای مبارزه با دیکتاتوری است.

۳۰ مهر

## دستهایمان را پیش آوریم!

اسماعیل وفا یغمائی

میان قتلگاه برادرم  
و شکنجه گاه خواهرم  
نمازم را ناتمام گذاشتم  
و در ستایش آنان که سلاح بر گرفتند  
سرودی سر کردم.

مهر را به دور افکندم  
و سجاده تنها مرا یاری کرد  
تا در زیر دارهای برادرانم  
اشکهای خود را  
و نطفه های فرو ریخته جلا دادن را  
بر شرمگاه خواهران له شده مقتولم  
پاک کنم.

به آسما نها نگریم  
زمانی دراز سپری شده  
و راههای آسمانها را ابرها پوشانده  
بودند  
نه نشان پای «براق» بر آن پیدا بود  
نه معراجراه «مسیح».

نامه ای نوشتیم  
و «سمعی» و «عینکی» و  
«عصائی»

به آن ضمیمه کردم  
و با پست هوائی آن را به مقصدی دور  
دست فرستادم  
«... خداحافظ بابا پیری!!»

متاسفم که هنوز از دزدیدن سیبی از  
باغت

و بوسیدن لبان زنی در سایه های  
تاریک انجیر

عصبانی هستی ،  
متاسفم که نوشته هایت را بازخوانی و  
باز نویسی نمی کنی،

و باور می کنم که شانه هایم در زیر بار  
امانت خرد خواهند شد  
و دستهایم در خلوت آسمانها - متاسفانه  
- تنهائند

بی آنکه انکار کنم  
رهایت می کنم...»  
و از مرزها عبور کردم.

\*\*\*

«راهنمای کرد» گفت  
تنها کافی است دهانت را ببندی  
تا «مرز داران ترک» سپیدی دندانهایت  
را نبینند!

- در آن هنگام  
سیاهی شب  
سیاهی موهای مرا مخفی می کرد -

و حال  
پس از این همه سال  
اگر بازگردم

سپیدی موهایم مرا در تیر رس قرار  
خواهد داد،

با این همه اندوهی نیست  
که اگر از خود می گویم

از خود نمی گویم  
که دهان دیگرانم  
و نه زبان خوبشتم،

غبار شده ام - غبار شده ایم -  
نفس به نفس

و قدم به قدم ،  
در راههای جهان

و در همه جا فرو ریخته ام.  
در سودای یک نفس آزادی،

و پشیمان نیستم  
با خنجری در سینه و خنجری در  
پشت

که اگر دوباره زاده شوم  
نفس به نفس

و قدم به قدم  
در راههای جهان

غبار خواهیم شد  
و در همه جا فرو خواهیم ریخت

در سودای یک نفس آزادی.

همه چیز گواهی می دهد که کیستم  
من

پیشانی پریشان برادرانم  
و کبودی طناب بر گردن خواهرانم،  
گورهای گمنام پدران و مادرانم  
و رفقای گمشده ام،

خانه ویرانه ام در پشت سر  
حوض شکسته

تاکیهای خشکیده و قمری های مرده،  
و دفترهای گمشده شعر  
همه گواهی می دهند که کیستم من،

محبوب غبار شده  
و کودک اسیر  
و غمهایی که با هیچکس از آنها  
سخنی نگفته ام،

پاسپورتی که در جیب دارم  
و پرونده ام در اداره پناهندگی  
همه گواهی می دهند که کیستم من  
اما مرا تروریست می خوانند!

\*\*\*

ما را تروریست می خوانند!  
در دنیای چهارمین سال بیست و  
یکمین قرن

در دنیائی که هویت ترا داشتن تلفن  
پرتابل تعیین می کند

در جهانی که اکثریت گرسنه اند  
تا اقلیت خوب بخورند

در دنیائی که اگر لباسهای مارک دارت  
را بیرون آوری

در هوا محو خواهی شد

زیرا هویت انسانی تو را محو کرده اند،  
ما را تروریست می خوانند.

در دنیائی که زیبایی نگاههای انسانی را  
زیبائی باسن ها و سینه های ترمیم  
شده اشغال کرده است،

در دنیائی که انسان محصور شده در  
خود تاج بر سر می نهد

و انسان ادامه یافته در بیرون خود  
خطرناک و مطرود است،

در جهانی که در کتابهای دستور زبان  
اش

نه «مفعول با واسطه»

و نه «مفعول بیواسطه»

بلکه «مفعول مطلق» به رسمیت  
شناخته شده است

تا «فاعل مطلق» بتواند

بر نوک پیکان قدرت

ترا فعل پذیر و خاموش و تسلیم و به  
رو در افتاده و شاکر

نظاره کند

و بر پشته های جسد بیضه برقصاند  
و به ریش انسان و خدا بخندد،

ما را تروریست می خوانند.

در دنیائی که آزاد کننده اش «گاو  
چرانها»

مغلوب مظلومش «دیکتاتورهای کله  
خر»

قربانی اش

دست کنده شده کودک عراقی  
و چسبیده بر دیوار خانه فرو ریخته،

و مقاومت کننده اش!

انواع «امام های بر جهیده از مکاتب  
عهد بوق» اند

که کرسی ابد مدت امامت

از ماتحت های عطرآگین مقدسشان  
جدا ناشدنی است

و سودای چرانیدن گله های مطیع  
انسانی

در چراگاههای الهی اسلام را رها نمی  
کند

و در این سودا سرها را به سادگی خیار  
قطع می کنند،

ما را تروریست می خوانند.

در دنیائی که مبتذل ترین و فاسد ترین  
تاجران

سکان دار سفینه زمین اند

و آدمی و جانور و گیاه

و آب و آتش و باد و خاک را به کثافت  
کشیده اند

ما را تروریست می خوانند.

دریغا!

گرداب موحش از چرخش باز نمی  
ایستد

و جسدهای خونین باد کرده

بر قلابهای ماهی گیری شکوهمند  
است،

در آنسوی گورستانها و انفجارها و تکه  
پاره های اجساد

کوهی از طلا می درخشد

نفت و گاز گران شده است رققا!

و بحران باید فروکش کند

باید از خون، طلا استخراج کنند

و حتی با شعله استخوانهای ما

سیمای بریان شده و مطبوع کباب

در کنار شراب بدرخشد و زوال نپذیرد

می خواهند خون ما را در کابلها به  
جریان بیندازند

میخواهند فروغ چشمان ملتی رادر  
لامپهای الکتریکی بدرخشاند

تا فقط نه خانه ها

بلکه میخانه ها و آنجا که آخرین تکه  
لباس بر زمین می افتد

و پرتگاهی از عریانی ناب می درخشد

روشن بماند.

می خواهند...

\*\*\*

سخن بسیارست و فرصت کم و راه  
دراز

قرار داد امضا شده است رققا!

و اسلام و کفر جام بر جام کوبیده اند!!

اگر آزادی را می فهمیم

اگر فقط از آزادی حرف نمی زنیم

اگر باور داریم

که واژه زنده آزادی را نمی شود در  
کتابها پیدا کرد

و یا دئو دورانت آزادی را از سوپر  
مارکتها خرید

و از آن برای خنثی کردن بوی نامطبوع  
زیر بغل

در مجالس پوک پر زرق و برق استفاده  
کرد

اگر تنها نگران خود نیستیم

و در بیرون خود ادامه داریم

و دیگران را نیز حقیقی و به رسمیت  
می شناسیم

دستهایمان را پیش آوریم

و باور کنیم که از تمام قرار دادها

و از همیشه توانا تریم

دستهایمان را پیش آوریم...

بیست و پنجم اکتبر ۲۰۰۴ میلادی

چهارم آبان ۱۳۸۳ خورشیدی

## ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی بی‌ هزار سال مبارزه فرهنگی (۵۳)

اسماعیل وفا یغمایی

### قدرت مذهب و روحانیت در دوران فتحعلیشاه

در دوران فتحعلیشاه مذهب و روحانیت به اقتدار ویژه‌ای دست یافتند که تا آن روزگار نظیر آن کمتر مشاهده شده بود. برای ادراکی روشن‌تر از این مقوله اشاره‌ای کوتاه به دوران قبل از فتحعلیشاه به ویژه دوران حکومت صفوی ضروریست.

در دوران صفوی چنانکه اشاره شد مذهب در دیواره حکومت و دولت به کار گرفته شد با این تفاوت که در بیشتر اوقات شاهان صفوی خود را نماینده خدا، جانشین پیامبر و پیشوای روحانی و مرشد و قطب‌اعلی می دانستند و از روحانیون تنها در جهت مقاصد خود به عنوان دست نشانده و ابزار استفاده می کردند. شاهان صفوی به ویژه برای انگیزاندن مردم شیعه مذهب در مقابل دولتهای ازبکان حنفی در شمال شرقی و ترکان عثمانی در غرب و حفظ سرزمینهای تحت حکومت خود از آخوندها استفاده‌های شایانی کردند ولی هیچ‌گاه قدرت روحانیت بر سلطنت سایه نمی افکند.

در دوره افشار و زند روحانیت قدرت چندانی نداشت. نادر شاه در اجتماع بزرگ دشت مغان در نوروز ۱۱۴۹ هجری، ۱۷۳۶ میلادی، با خفه کردن شیخ الاسلام اصفهان و به تیر بستن و کشتن میرزا عبدالحسین ملا باشی که با او مخالفت کرده بودند روحانیت را به ترس و دم فرو بستن مجبور کرد. نادر پس از آن با علم کردن تعدادی ملای مطیع، سیستم روحانیت را تحت امر خود در آورد.

کریم خان زند با آنکه خود شیعه بود، از پرداختن به آخوندها دوری کرد و اعلام کرد: هر کس کار و خدمت بکند به او مواجب خواهیم داد، ما وکیل مردم ایرانیم و از خود مال و اموالی نداریم که به مالاها و طلبه علوم بدهیم.

با قدرت گرفتن قاجارها وضع دیگرگون شد. یکی از عوامل روی آوردن قاجارها به آخوندها، در آغاز مشرووعیت بخشیدن به حکومت خود در اذهان توده‌های مردم بود، زیرا در آغاز کار مردم سلطنت قاجارها را که از نژادی غیر ایرانی و از رگ و ریشه مغول می پنداشتند مشروع نمی دانستند.

پس از آقا محمد خان در دوران فتحعلیشاه با توجه به خرافاتی بودن شاه و مشکلات حکومت و جنگهای فراوان، شاه قاجار هرچه بیشتر به روحانیت روی آورد و متشرعان ابزار مقاصد و پیشرفتهای سیاسی شده و به قدرت بی حد و حصر و لجام گسیخته‌ای دست یافتند و به هر جنایتی که خواستند دست زدند.

فتحعلیشاه خود یک مذهبی خرافاتی و تمام عیار بود. او از آغاز سلطنت با تزئین و تعمیر امامزاده‌ها، ساختن مساجد، بنای مدارس علمیه، تعمیر حریمها در قم، مشهد و شاه عبدالعظیم و بقعه امامزاده سید حمزه، تعمیر گنبدهای کربلا و کاظمین، طلا کاری مقبره امام حسین و فرستادن ضریحی جدید برای آن، مطلقا کردن مناره‌های حرم امام حسین، ارسال ضریحی از نقره برای حرم حضرت عباس خود را پادشاهی مومن و وفادار به شیعه نشان داد.

فتحعلیشاه پادشاهی اش را با اذن شیخ جعفر نجفی و به نیابت او شروع کرد. شیخ جعفر به شاه دستور داد در هر لشکر باید مودنی وجود داشته باشد و امامان جماعت همیشه با ارتش همراه باشند و هفته‌ای یکبار در لشکرها مجلس وعظ و روضه خوانی بر پا شود. نمونه‌های نفوذ قدرتمند آخوندها و سیستم و تفکر آخوندی در این دوران بسیار زیاد و ضعف و زبونی دربار، از شاه تا شاهزادگان و بزرگان در باری که در آستان بوسی آخوندها با هم مسابقه گذاشته بودند حیرت انگیز است.

قدرت یافتن متشرعان و آخوندها در زمینه‌های مختلف تأثیرات مهلکی بر جای نهاد که برای شناخت این تأثیرات و معلولهای آن بایست به تحقیق ویژه‌ای دست زد اما به طور خلاصه می توان قدرت روحانیت و کارکرد کارگزاران مذهب را در محورهای زیر تا حدی درک کرد.

۱ - نقش مجتهدین و آخوندها در اعلام جهاد علیه روسیه و عهد نامه گلستان و ترکمانچای.

بدون تردید جنگ ایران و روس و شکست ایران و از دست رفتن قطعاتی گسترده از خاک ایران حاصل کنش و واکنشهای بسیار و از جمله نقش انگلیس، فرانسه و طمع روسیه در جهت بلعیدن ایران است، اما در این میان، آخوندهای دوران نقش تسهیل کننده‌ای را ایفا کردند که غیر قابل انکار است.

در دوره اول جنگ، به ویژه علمای جنگ طلب آذربایجان با برانگیختن مردم - حدود صد هزار تن - و نشر

گسترده رساله‌ای تحت عنوان «رساله جهادیه» به قلم میرزا عیسی قائم مقام فراهانی معروف به میرزا بزرگ - پدر قائم مقام فراهانی وزیر خوشنام و مقتول محمد شاه قاجار - و بدون توجه به شرایط ارتش ایران و ضعف دولت، راه جنگ را صاف کردند. صفحات شصت و نهم تا هفتاد و دوم «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران» تالیف سعید نفیسی در این باره خواندنی است.

در دوره دوم جنگهای ایران و روس که منجر به انعقاد عهد نامه ترکمانچای شد، در حالی که دولت ایران از زیر بار کمر شکن جنگ کمر راست نکرده بود و خواهان جنگ نبود با فشار و تهدید و ارعاب روحانیونی که خود را نماینده و نایب امام و شاه را آشکارا نایب مناب از طرف خویش می دانستند روبرو شد. از میان روحانیون وقت آقا سید محمد بهبهانی، حاجی ملا جعفر استر آبادی، سید نصرالله استر آبادی، محمد تقی قزوینی، سید محمد اصفهانی، ملا رضا خوئی، سید عزیزالله طالشی و... نقش خاصی داشتند. شگفت آنکه ملا احمد نراقی نیز که از روحانیون روشن ضمیر و فاضل و عارف مسلک روزگار بود در سنین سالخوردگی در این ماجرا پای به میدان نهاد و در صفوف آخوندهای جهادگر و جنگ طلب در آمد.

مخالفتان جنگ با روسیه از جمله نشاط اصفهانی شاعر نامدار آن روزگار و میرزا ابوالحسن شیرازی معروف به ایلچی وزیر دول خارجه وقت با تهدید و ارعاب آخوندها سکوت کردند و کار آنچنان بالا گرفت که در صورت مخالفت فتحعلیشاه، احتمال خلع او و شورش مردم که به شدت از تبلیغات آخوندها برانگیخته شده بودند پیش آمد. از طرف دیگر میر فتحاح پسر حاج میرزا یوسف مجتهد، جمعی از مردم عوام را در تبریز به متابعت روسها خواند و مستحفظین ایرانی را مقهور ساخت و با جمع زیادی از پیروان خود به استقبال روسها شتافت و موجب سقوط شهر تبریز گردید. به نتایج این جنگ و شکست ایران و از دست رفتن شمار زیادی از نفوس و قطعاتی از خاک ایران در ادامه اشاره خواهد شد.

پس از پایان دوره دوم جنگهای ایران و روس و هنگامی که بر اساس قرارداد بین دو دولت هریک می بایستی نماینده‌ای به دربار یکدیگر بفرستند ماجرای قتل گریبایدوف نویسنده و سفیر دولت روس در ایران اتفاق افتاد که امکان درگیری و جنگ بین دو دولت را پس از شکستهای مذلت بار ایران تشدید کرد. در این ماجرا بنا بر عهد نامه صلح که آزادی اسرای گرجی را طلب می کرد، گریبایدوف بر آن شد

که شماری از زنان گرجی را که در حرم رجال ایران بودند مورد استنطاق قرار دهد و آنان را به روسیه باز گرداند. علمای تهران و به ویژه میرزا مسیح مجتهدعکس العمل نشان دادند و مردم را برانگیختند و کار به کشته شدن گریبایدوف و هفتاد تن از همراهان او کشید. دولت روسیه در چنین هنگامه‌ای به دلیل تند رویها و اشتباهات گریبایدوف و نیز درگیر بودن در جنگ بالکان عکس العمل چندانی نشان نداد و کار با عذر خواهی ایران و تبعید میرزا مسیح خاتمه یافت.

۲ - سرکوب درویشان و صوفیان و پیروان سایر مذاهب.

پیش از دوران فتحعلیشاه گروههای مختلف صوفیان و درویشان به مدت هزار سال در ایران زیسته و اگر چه در پاره‌ای موارد مورد خشم و نفرت روحانیون قرار گرفته و حتی به قتل رسیده بودند اما هرگز مانند دوران فتحعلیشاه دست آخوندها به طور گسترده برای سرکوب و حتی کشتن صوفیان و درویشان باز نبود. به عنوان نمونه، آخوندها، دربار را علیه دو تن از درویشان سلسله نعمت‌اللهی، حاج محمد جعفر کبوتر آهنگی و سید حسن اصفهانی برانگیختند و موجب شدند که مبلغ دو هزار تومان که در آن هنگام بسیار هنگفت بود از این دو درویش اخذ شود. گناه این دو تن این بود که در بسیاری از نقاط ایران مورد محبت مردم بودند و آخوندها که از اقبال اهل طریقت در میان مردم نگران بودند دربار را علیه این دو درویش صاحب نام برانگیختند.

درویش کشی نیز در دوران فتحعلیشاه و به فتوای آخوندها رواج داشت و ملایان بدون بیم از مواخذه به آن دست می زدند، از جمله آخوند محمد علی کرمانشاهی - معروف به بهبهانی - آشکارا فتوای درویش کشی داد و خود نیز به قتل درویش محمد تقی طبیب کرمانی معروف به مظفر علیشاه، فقیه، ادیب، شاعر، مفسر و طبیب وارسته دست زد و با خواندن زهر او را به قتل رساند.

یکی دیگر از علمای صاحب نام و صاحب نفوذ دوران، آخوند سید محمد مهدی ابن سید علی، عامل تکفیر شیخ احمد احسائی - بنیاد گذار مکتب شیخی - بود که به دلیل اینکه یهودیان در عتبات به شرایط ذمه عمل نمی کنند و جزیه نمی پردازند عتبات را با حالت قهر ترک کرد و به اصفهان آمد

بقیه در صفحه ۱۹

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمدیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل	۲۰ یورو
آمریکا و کانادا و سوئد	۳۳ دلار
استرالیا	۵۰ دلار
تک شماره	۱ دلار

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران - نبرد بخوانید.

آدرس نبرد خلق در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

## جنگ خبر

اخبار روزانه را در جنگ خبر بخوانید

www.jonge-khabar.com

## جنگ صدا

برای شنیدن آخرین خبرها و تفسیر سیاسی و خبری، روزهای شنبه هر هفته به جنگ صدا گوش دهید.

www.jonge-seda.com

## ادبیات ایران در هزاره دوم

بقیه از صفحه ۱۸

و سپس به تهران رفت و در زمان محمد شاه دستور داد آب را بر روی یهودیان بیندند.

۳ - کشتار، و تعدی به مال و جان و ناموس مردم افزون جوئیها و خود کامیهای آخوندها در کشتار و تعدی به مال و جان و ناموس مردم حکایتی است که در طول دوران حکومت فتحعلیشاه ادامه داشت و آخوندهای با نفوذ و صاحب نام و اعتبار با اتکا به چهل مردم و قدرت مذهب و تقدس، آنچه که خواستند کردند.

از نمونه های جالب، آخوند سید محمد باقر شفتی است که به واقع سمبلی هوشمند، بیرحم و بسیار قدرتمند از آخوندهای آن روزگار است. آخوند شفتی در حقیقت حکومتی در درون حکومت فتحعلیشاه داشت و ثروت افسانه ای او زبانزد همگان بود. گوشه ای از ثروت را او چهارصد کاروانسرا و دو هزار باب دکان، و املاک گسترده او در نجف، یزد، اصفهان و بروجرد تشکیل می داد. او در دوران حیات خود هفتاد نفر را با حکم شرعی به قتل رساند و در مواردی حکم تفسیق سایر علمای صاحب نام، از جمله حاج ملا اسدالله بروجردی، میرزا محمد تقی نوری و حاج سید صادق رشتی را صادر کرد. قدرت آخوند شفتی و دامنه نفوذش در میان مردم آنچنان بود که فتحعلیشاه از او وحشت داشت.

شیخ جعفر خضر ابن یحیی حلی جناحی نجفی - معروف به کاشف الغطا - از دیگر نادره های دوران فتحعلیشاه است. این آخوند نامدار و مقتدر، در خوردن و نوشیدن و همبستری با زنان شهیره بود و در سفر همواره کنیزی از کنیزان خود را همراه می برد و هر جا که شهوت بر او غالب می شد دستور می داد خیمه ای بر پا کنند و پس از پایان کار و غسل به سفر ادامه می داد. قدرت نفوذ او آنچنان بود که در حین سفر در هر شهری که سیغه ای می طلبید مهمانداران مجبور بودند امر او را اطاعت کنند و گاه دختر خود را در اختیار شیخ بگذارند.

معروف بود که شیخ جعفر دارای کرامات بسیار است و از سوی طایفه اجنه حمایت می شود. او علنا می گفت:

از آنجا که من مورد نظر و تأیید خداوند هستم از جمله قدرت بسیار خوردن، قدرت بسیار شهوت راندن، و قدرت بسیار دانستن و عبادت کردن را به من ارزانی داشته تا از تمام لذایذ روحانی و جسمانی بهرمنند باشم. قدرت او آنچنان بود که یکبار به درب سرای امین الدوله حاکم مقتدر اصفهان رفت و گفت شیخ از تو زن می خواهد و امین الدوله مجبور شد یکی از کنیزان زیبا روی گرجی خود را که مورد نظر شیخ بود در اختیار او بگذارد. از جمله کارهای شیخ این بود که چون به خانه ای وارد می شد آن را می ستود و صاحب خانه لاجرم به رسم تعارف می گفت آن را پیشکش کردم، شیخ بلافاصله می گفت پذیرفتم و بعد خانه را قیمت می کرد و دوباره به صاحب خانه می فروخت. نمونه دیگر فروش غذای سفره به صاحب خانه بود به این ترتیب که چون شیخ به

میهمانی بزرگان و ثروتمندان و تاجران می رفت به دلیل این که این سفره شبهه حرام دارد دست به غذا نمی زد، صاحب خانه سرانجام از شیخ می خواست سفره را قیمت گذاری کرده و به او بفروشد تا از شبهه حرام در آید و شیخ سفره غذا را به صاحب خانه می فروخت و پول آنرا دریافت می کرد و بعد مشغول خوردن می شد. در این باره نمونه های تکان دهنده و شگفتی آور بسیار است که پرداختن به تمام آنها در این نوشته امکان پذیر نیست. خوانندگان علاقمند برای اطلاع بیشتر می توانند از جمله به جلد دوم «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران» تألیف سعید نفیسی صفحات سی و هشت تا شصت ونه و نیز کتاب «قصص العلما» تألیف محمد ابن سلیمان تنکابنی مراجعه نمایند. نکته جالب در کتاب «قصص العلما» این است که مولف کتاب «قصص العلما» که خود از روحانیون است نسبت به روحانیون دوران فتحعلیشاه دیدی مثبت داشته و تمام آنها را ستوده است و بر کارهای آنها صحنه نهاده و آنها را موافق با اسلام دانسته است با این همه برای خواننده روزگار ما، حقیقت خود را از لایبالی هر سطر نشان می دهد.

در پایان این اشاره مختصر، تأکید بر دو نکته ضروریست.

نخست اینکه ملایان روزگار فتحعلیشاه با تکیه بر قدرت مذهب و جهل ساری و جاری در میان مردم اسب مراد خود را بر سرنوشته یک ملت رانده اند. در کنار این چهره های شگفت و پوشیده با مه تقدس و افسانه سازی و خرافات بابست دهها و صدها هزار چهره بی نام و نشان و بی گناهی را به یاد آورد که بازیچه دست و اندیشه و مذهب آخوندها بوده اند و پایه های اقتدار آنان را بر شانه های رنج دیده خود حمل کرده اند.

نکته دوم اینکه آخوندهای یاد شده و بسیاری از مشایهان آنان در دوران فتحعلیشاه، در روزگار ما و در حکومت بر جای مانده از خمینی از زمره مقدسان، مؤلفان و مصنفانی هستند که عمیقاً مورد احترام حکومت و دستگاه فکری آخوندی بوده و کتابها و رساله های فراوان بر جای مانده از آنها تار و پود فکری حکومت آخوندی را به هم بافته و قوام بخشیده است، نیز فراموش نباید کرد که هنوز هم رگه های تاریک بازمانده از جهل و عدم آگاهی تاریخی، مقابله تاریک و کهنی را که اسکلتهای این آخوندها در آنها جای دارد گناه در هیئت امامزاده یا مکانی مقدس به برخی چشمها می کشد، تنها مبارزه ای قاطع و استوار برای در هم کوبیدن نظام خشن و ارتجاعی ولایت فقیه و نیز تاباندن نور آگاهی می تواند به این حکایت پایان دهد و حافظه تاریخی مردم را با حقیقت همسایه سازد و گذشته دفن شده و ناپیدا را در دادگاه تاریخ در کنار آخوندهای حاضر، در جایگاه مجرمان و جنایتکاران بنشانند. ادامه دارد

دوست عزیز گل افشان، کمک ۱۰۰ دلاری شما دریافت شد. از همیاری و محبتهای شما سپاسگزاریم.



# NABARD - E - KHALGH

No : 232 22. Oct. 2004 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE  
NABARD / Postbus 9458 / 1006 AL Amsterdam / HOLLAND  
NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY  
NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A  
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

## شهادای فدایی آبان ماه

علی رضا شفیعی - علی بهروزی - محمد قادری - حسین رکنی - احمد پیل افکن - احمد گراوند - علی اصغر ذاکری - سلیمان سلیمانی - فرج الله نیک نژاد - مرتضی فخر طباطبایی - عبدالله فیض الله بیگی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی - محمد حسین خادمی از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

رفقای فدایی: سیروس سپهری - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - محمدرضا چمنی - علی دبیری فرد - رحیم خدادادی - عثمان کریمی - هادی اشکانی - لقمان مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مهرازان محمدی - مجید شریفی - همایون - حجت - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مهین جهانگیری - محمد قلی جهانگیری - عزیز پور احمدی -

## ایران - مجاهدین خلق:

### مقاومت در برابر

«آیت الله ها»

به قلم مهدی ابریشمیچی  
(به زبان فرانسه) انتشارات پیکولک  
این کتاب در کتابفروشیهای فرانسه موجود است

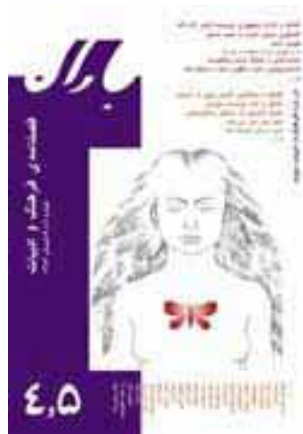


## کتابهای رسیده به

### نبرد خلق

### فصلنامه ی فرهنگ ادبیات

شماره ۴ و ۵ تابستان ۱۳۸۳  
انتشارات باران در سوئد  
برای دریافت این فصلنامه با شماره زیر تماس بگیرید  
تلفن : 0046-8 323080  
فاکس: 0046-8 344660



راهپیمایی می زند و باحمله به مراکز دولتی خواستار رسیدگی به شکایت شان از مسوولین صندوق قرض الحسنه «ذوالفقار علی» می شوند. جانشین فرمانده نیروی انتظامی استان فارس، سرهنگ عربیان می گوید: "ناآرامیها تا ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه به طول انجامید و نهایتا با درخواست شورای تامین شهرستان، نیروی واکنش سریع با یک دستگاه چرخبال وارد عمل شد و با هماهنگی نیروهای نظامی و سپاه، اوضاع شهر به حالت عادی بازگشت". او در ادامه می گوید: «در جریان این حادثه یک نفر کشته، ۱۳ نفر زخمی و ۴۷ نفر دستگیر شدند که حال یکی از زخمیها نیز وخیم گزارش می شود.»

آری موضوع بسیار ساده است، عده ای کلاهبردار و دزد و وابسته به مافیای پولشویی، اندک پس انداز مردم را بالا کشیده اند، مردم برای دادخواهی به دادگستری پناه می برند و آنها هم با تمام قوا به مردم یورش می برند و آنها را به گلوله می بندند. شماری از مالباختگان به قتل رسیده اند، عده دیگری زخمی و به بیمارستان منتقل گردیده و بسیاری نیز دستگیر و زندانی شده اند. آیا کسی باور می کند که مسوولین صندوق قرض الحسنه و مقامات سیاسی نظامی و امنیتی منطقه با هم همدست نیستند؟ صندوقهای قرض الحسنه بر خلاف نامشان، مراکز خلاف و مافیایی است که گردانندگان اصلی آن عالی ترین مقامات رژیم جمهوری اسلامی هستند. مسوول کلاهبرداری آنها از مردم نیز مقامات جنایتکار و رهبران باندهای مافیایی حاکم بر کشور هستند که فرمان آتش به مردم مالباخته را صادر می کنند. باید برای همیشه بساط باندهای مافیایی را از سراسر کشور برچید و این شدنی نیست مگر آنکه درخت را از ریشه قطع کرد و رژیم ولایت فقیه را با باندهای مختلفش از بن درآورد.

۹ مهر

## صندوق های قرض الحسنه یا

### مراکز پولشویی

جعفر پویه

سالهاست که مراکز مختلفی تحت نامهای دهان پرکن به سرکسسه کردن مردم مشغولند. پرسروصدا ترین این مراکز، صندوقهای قرض الحسنه هستند که با توجهات مذهبی و تحت نام گردش پولی بدون ربا، توسط افرادی که وابسته به نهادهای و مقامات حکومتی هستند، تاسیس شده اند. این مرکز با توجه به نیازهای مالی اقشار مختلف، دست به تبلیغات دروغین زده اند و با جذب پس اندازهای اندک مردمی که وعده های آنها را باور کرده اند، در خفا به امور دیگری می پردازند.

وظیفه سفید سازی بخشی از پولهایی که از راههای غیر قانونی بدست می آید، به عهده صندوقهای قرض الحسنه است. موضوع پول شویی که از دید نهادهای بین المللی کنترل کننده پنهان نیست، بارها مورد اعتراض قرار گرفته و حکومت هم با این توجیه که کنترلی بر این نهادهای اقتصادی مذهبی ندارد، از پاسخگویی فرار می کند. اما آیا آنها می توانند به همین شیوه پاسخ مالباختگانی که قربانی این مراکز وابسته به باندهای مافیایی پول شویی شده اند را بدهند؟

در چارگوشه کشور، موضوع صندوقهای قرض الحسنه به شکل مشابهی مورد اعتراض مردمی قرار گرفته که نمی توانند پس اندازهای اندک خود که نزد آنها به امان گذاشته اند را پس بگیرند. در اصفهان مدتهاست که مردم با آنها و مراکز نظامی و انتظامی و امنیتی پشتیبانشان درگیر هستند.

در نور آبادمسنی، بیش از دو ماه است که مردم هر روزه در برابر دادگستری تجمع می کنند و کسی پاسخگویی آنها نیست. سیاست خسته کردن مردم به جایی نمی رسد و مردم در روز هشتم مهر، با برگزاری تجمع اعتراضی دست به